

حدود

پژوهش اجتماعی چارلسو

Charsou Cineplex, Tehran

www.irandocfest.ir

13

۱۹
آذر
۱۳۹۸

روز دوم جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

ضيافت آغاز شد

اجتماع چهره‌های فرهنگی
در افتتاحیه سینما حقیقت



کات 2CUT
کشف جهان
از طریق
پرده‌ی سینما

پرونده‌ای درباره‌ی فیلم‌های
مهمی که در بخش بین‌الملل
اکران می‌شوند

11 فیلم‌های ایرانی
فلسوفانه
هستند

ندا میلانوو از زمینه‌های همکاری بین
مستندسازان ایرانی با جنبش مستندسازی
بالکان سخن می‌گوید

12 مهمانان
ویژه
روز اول

از بانو عصمت تا خانواده شهید
تهرانی مقدم که در روز اول
جشنواره به پردیس چارسو آمدند

8 نفت
ومصدق
ومردفرهیخته

گفت و گو با ارد عطارپور درباره فیلم پرژنیاتی
که روایتگر نگاه دکتر محمد علی موحد
به پرونده ملی شدن نفت است

جشن اتحاد و یکدلی مستندسازان

هر سال در زمستان ایران عزیزمان، بهاری برای مستندسازان ایران فرا می‌رسد که در آن مستندسازان صبور و پرتلاش حاصل تلاش خود و همکارانشان را می‌بینند و دوستی‌ها تازه‌تر و روزهای سخت تولید و غصه‌ها و کامیابی‌ها مرور می‌شود. باید باور کرد که بخش زیادی از فیلم‌ها و شاید همه فیلم‌ها حاصل تلاش‌های شخصی و دغدغه‌هایی است که انرژی جلوبرنده آن امید مستندساز است برای انتقال شادی‌ها و غصه‌ها به مردم ایران و جهان.

امروز سینمای مستند ایران در جهان راه خود را باز کرده است. آن‌چنان که دنیا صدای مستندسازان ایرانی را به خوبی می‌شناسد اما باید باور کرد که این همه در کنار همه محدودیت‌های ساخت و همه مشکلاتی که مستندسازان ایرانی در زندگی روزمره خود دارند دستاوردی است که در پشت آن قلب‌های خسته و درد کشیده‌ای است که در عین حال هیچ محدودیتی نمی‌تواند آن را متوقف کند اما نمی‌توان فراموش کرد که این دردها چه تاثیری بر مستندساز دارد. جز آن که سن مفید یک مستندساز در ساخت به شدت کاهش می‌یابد. بسیار واضح است که زمان بسیار کوتاه است و مستندسازان ارزش‌های افزوده‌ای هستند که حفظ آن به معنای حفظ غنای فرهنگی ایران است متولیان فرهنگ می‌باید به یاد داشته باشند که مستندسازان هستند که می‌توانند با آثارشان جامعه را تازه کنند و به ما یادآوری کنند که در کجا ایستاده‌ایم.

به هر صورت جریان مستند در ایران بر اساس همان دغدغه‌های شخصی نسبت به سال‌های گذشته ریشه‌های عمیق و میوه‌های زیباتر می‌شود اما باید دید که از سال گذشته تا به این سال چه اتفاقی برای گذران زندگی و حال مستندسازان و فیلم‌هایشان رخ داده است. هزینه‌هایی که هر روز افزون می‌شود و بر که کوچک مستند هر روز به جبر مادیات کوچکتر می‌شود و ترسی که شاید در این روزگار سرد از خاطرات سبزش می‌کاهد. در روزهایی سردی که هر کسی می‌تواند سردی آن را حس کند امید است که متولیان امور یا به میدان بگذارند و دغدغه‌ای را از دوش‌های سختی کشیده مستندساز بردارند. ولیکن چه می‌توان کرد که درد نفت و ثروت اندوزی دردی است رایج و باز این مستندساز است که تهاست و می‌باید بر تنهاییش فارغ شود و راه گریزی بیابد. تلویزیون به عنوان یکی از تکیه‌گاه‌های مستند ایران چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ آکرانی نمی‌تواند به هر دلیلی رفتار مهربانانه‌ای داشته باشد و حال آنچه مانده است آکران‌های محدود و کوچکی است که بخشی از آن آکران‌های هنر و تجربه به عهده گرفته است. به هر صورت همین هم جای امید است ولیکن کجاست تلاش‌هایی که فرهنگ دیدن فیلم مستند را در مخاطبین مردمی رشد دهد؟ هیچ‌گاه نمی‌توان فرآیند فرهنگ‌سازی و تبلیغات را در عمق بخشیدن به یک اتفاق فرهنگی در عمق جامعه فراموش کرد اما چه می‌توان کرد که معنای اتحاد و دست در دست هم دادن و از نقاط قوت یکدیگر استفاده کردن برای یک هدف واحد در میان ما امری است که بسیار غریب است و این در حالی است که جامعه ایران همه ساز و کارهای موجود برای رساندن جامعه به نقطه مطلوب را دارد. اما جای بسی امیدواری است که با همه کمبودها و نارسایی‌های مستند ایران زمین در این دریای طوفانی و در گذار خود، نه تنها متوقف نشده است که حضورهای موفق سینمای مستند ایران در فستیوال‌های بزرگی چون لوکارنو یا ایدفا و حتی نمایندگی سینمای مستند در اسکار نشان از گل‌های زیبایی است که خاستگاه‌شان قلب گرم و خستگی‌ناپذیر مستندسازان و دلسوزان امر است.

و حرف‌هایم را به پایان می‌رسانم با یک آرزو: ای کاش روزی نفت در سرزمینمان به پایان می‌رسید. شاید آن روز فرهنگ بزرگ خود را می‌دیدیم. ای کاش گاز نداشتیم، آن موقع می‌توانستیم درک کنیم که قلب‌هایمان برای گرم کردن خانه‌هایمان به اتحاد و یکدلی نیاز دارد و حتماً این کار را می‌کردیم چون سردمان بود.

سرمقاله

۲

خبر روز

سینما

۱۹ آذر ۱۳۹۸

۱۳

جشنواره بین‌المللی فیلم مستندسازان ایران



تصویر داوران بخش مسابقه ملی، صفحه روبرو را بخوانید

در هوای «حقیقت»

حال و هوای پردیس چارسودر نخستین روز سیزدهمین «سینماحقیقت»

رویداد سینمایی قرار شد تا اهالی سینمای مستند و رسانه برای دریافت کارت ثبت نام کرده و بتوانند به صورت رایگان بلیت تهیه کنند. همچنین بخشی از ظرفیت سالن‌های جشنواره به علاقه‌مندان سینمای مستند تعلق گرفته است تا با خرید بلیت به تماشای آثار جشنواره بنشینند.

تأکید بر سندننگاری برای «مستند»

دبیر جشنواره درباره تمرکز بر سندننگاری جشنواره امسال بیان کرد: ما بر هویت سندی و سندننگاری سینمای مستند تأکید داریم و با توجه به تعامل فیلمخانه سینمای ایران با جشنواره سینماحقیقت، راش‌ها و تصاویر دیده نشده از مستند «باد صبا» به عنوان هدیه افتتاحیه جشنواره به نمایش در خواهد آمد، شاید ما تنها شنیده‌هایی از جمله صدای ماندگار استاد منوچهر انور را از این فیلم به یاد داشته باشیم. از مدیر فیلمخانه ایران بابت این هدیه بسیار سپاسگزارم. خانم‌ها، آقایان...

اتفاق ویژه جشن افتتاحیه اما اعلان پیام آغاز این رویداد توسط استاد منوچهر انور بود. پیشکسوت عرصه «صدا» و «زبان فارسی» که ابتدای خاطراتش در همراهی با مرحوم لاموریس در ساخت مستند «باد صبا» را مرور کرد و سپس رو به جمعیت حاضر در سالن افتتاحیه با لحن خاطره‌ساز خود گفت: «خانم‌ها، آقایان؛ سیزدهمین جشنواره سینماحقیقت افتتاح شد.»

خنکای باقی مانده از باران عصر یکشنبه و باد بی‌قراری که از صبح دوشنبه سودای خیابان‌گردی در پایتخت به سرش افتاده بود، برای نخستین روز برگزاری جشن مستندسازان، پاک‌ترین هوای چند ماه اخیر را در تهران تدارک دیدند. دوشنبه ۱۸ آذرماه، پردیس سینمایی چارسودر قلب پایتخت، در چنین شرایط آب و هوایی میزبان علاقمندانی بود که گویی به رسم یک سنت هرساله خود را به بزم سینمای مستند ایران رساندند تا حتی یک روز را هم از همراهی با «سینماحقیقت» از دست ندهند.

حرکت به سمت استانداردسازی

روز اول جشنواره سیزدهم با برگزاری آیین افتتاحیه آغاز شد. افتتاحیه‌ای که هر چند ساده اما باشکوه بود. محمد حمیدی‌مقدم دبیر جشنواره سیزدهم در این مراسم فرصت را غنیمت شمرد و به آقایان محمد آفریده، شفیع آقامحمدیان و محمدمهدی طباطبایی‌نژاد دبیران دوره گذشته «سینماحقیقت» دستمیزاد گفت و در عین حال از مسیر تازه این جشنواره سینمایی و حرکت به سمت یک جشنواره استاندارد خبر داد. حمیدی‌مقدم تأکید کرد: از این دوره مسیر استانداردسازی جشنواره سینماحقیقت را آغاز کردیم که شاید این آغاز تا حدودی متفاوت باشد. از جمله موضوعات در پروسه استانداردسازی مسئله ورود به جشنواره است که از شاخصه‌های جشنواره‌های مطرح و بین‌المللی محسوب می‌شود. به منظور جلوگیری از شلوغی بیش از اندازه این



مستندساز رضاقرهمند

سینما

خبر روز

نشریه روزانه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستندسازان ایران

زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

مدیر مسئول: محمد حمیدی مقدم

سر دبیر: آرش خوشخو

تجربیه:

- هائیه درویش
- محمود صادقلوی گیوی
- ساراشمیرانی
- سمیرانوری

بخش کات: صوفیا نصرالهی

بخش بین الملل: سمیه قاضی زاده

بخش خبری: محمد صابری

عکس: مریم سعید پور

گرافیک و فتی

صفحه آرایی: سمیه نظیفی

ویرایش عکس: سهیلا گودرزی

ویرایش و تصحیح: روشا علوی

به احترام «بانو»

بانو عصمت، به تمام معنا یک «قهرمان» است. شیرزنی که نه فقط دفاع مقدس را که تبعات و پس لرزه‌های اجتماعی و اقتصادی جنگ را هم با تمام وجود لمس کرده است. عصمت احمدیان، مادر شهیدان فرجوانی است. زنی که خودش و اعضای خانواده‌اش از جمله همسر و سه فرزندش هر کدام به نوعی با جنگ در ارتباط هستند. زندگی پس از جنگ و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بانو عصمت نیز بخش مهمی از زندگی اوست که در مستند «بانو» به آن پرداخته شده است. دیروز و در نخستین روز از برگزاری سیزدهمین جشنواره «سینماحقیقت»، عصمت احمدیان خود نیز مهمان پردیس سینمایی «چارسو» شد تا در کنار مخاطبان این رویداد به تماشای مستند «بانو» بنشیند. مستندی به کارگردانی محمد حبیبی منصور، که بهانه‌ای شد برای هم‌نشینی و هم‌کلامی مهمانان «سینماحقیقت» با یک بانوی «قهرمان».



۱۰ نکته کلیدی از روز اول سیزدهمین دوره جشنواره سینماحقیقت

۱ قبل از هر چیزی بدانید که ۶ فیلم ایرانی به جز رقابت در بخش مسابقه ملی به بخش بین الملل هم راه یافته‌اند. اسم این فیلم‌ها را بدانید بد نیست:

در بخش فیلم‌های کوتاه دو فیلم آثسو ساخته جعفر نجفی و دیوارهای نخی ساخته عباس عمرانی بیدی با رقبای خارجی خود رقابت خواهند کرد. در بخش فیلم‌های نیمه بلند هم دو فیلم جمیله ساخته محمد باقر شاهین و شیب تند ساخته لقمان خالدی به بخش بین الملل راه یافتند و در بخش فیلم‌های بلند هم دو فیلم جایی برای فرشته‌ها نیست ساخته سام کلانتری و خسوف ساخته محسن استاد علی حضور دارند

۴ لذت مضاعف؛ یکی از نکات جالب در کیفیت میزبانی جشنواره سیزدهم که از روز نخست برگزاری هم مشهود بود، تأثیر سازوکار تعریف شده برای تهیه بلیت، در نظم ورود و خروج مهمانان جشنواره به سالن‌های نمایش بود. تطابق کامل بلیت فروش در هر سانس با ظرفیت سالن نمایش و همزمان الزام همه گروه‌های مخاطب هدف جشنواره به تهیه بلیت سبب برگزاری منظم اکران فیلم‌ها و عدم تجمع و ازدحام غیر معمول در زمان نمایش فیلم‌های جشنواره در سالن‌های نمایش شده است.

۷ بفرمایید مستند؛ عوامل فیلم‌های مستند راه یافته به جشنواره سینماحقیقت از این فرصت برخوردارند که پیش از آغاز اکران و در مواجهه با مخاطبان جشنواره‌ای، بی‌واسطه توضیحاتی درباره کار خود ارائه کنند. بخش معرفی فیلم که در دقایق ابتدایی هر سانس برگزار می‌شود فرصتی است تا کارگردان و سایر عوامل مستند، ضمن معرفی به مخاطبان توضیحاتی هم درباره فیلم ارائه کنند.

۸ مخاطبان آنلاین؛ در کنار فرصت تماشای مستند، برگزاری نشست‌های «فیلم-خبر» در قالب گفتگو با عوامل فیلم‌ها تبدیل به ارزش افزوده‌ای برای همراهان و مخاطبان هر دوره از جشنواره «سینماحقیقت» شده است. در یک اتفاق ویژه اما امسال سینمادوستانی که فرصت حضور در مجموعه چارسو برای قرار گرفتن در جریان جشنواره را ندارند، می‌توانند به صورت آنلاین نشست‌های «فیلم-خبر» را از سایت رسمی جشنواره دنبال کنند.

۲ و اما داوران: کامران شیردل، یونس شکرخواه، سیف‌الله صمدیان، پیروز کلاتری، حبیب احمدزاده، محمدحسین مهدویان و مونا زندگی، ۶۲ فیلم مستند راه یافته به بخش مسابقه ملی «سینماحقیقت» را داوری خواهند کرد. یک هیات داوری جذاب و قدرتمند با چهره‌هایی متنوع و معتبر.

۵ در روز اول جشنواره سیزدهم شاهد حضور مهمانانی خاص بودیم. از «بانو عصمت احمدیان» که برای تماشای مستند «بانو» خود را به چارسو رسانده بود تا خانواده شهید تهرانی مقدم که شب گذشته مهمان ویژه اکران مستند «خط نورانی» با مروری بر زندگی این شهید شدند.

۳ گرمای آغاز؛ همه آنچه درباره سردی معمول در روز اول برگزاری رویدادهای سینمایی شنیده‌اید را کنار بگذارید؛ اولین روز از سیزدهمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» روز گذشته در حالی برگزار شد که پردیس سینمایی چارسو میزبان شمار زیادی از علاقه‌مندان به سینمای مستند بود. علاقه‌مندی که به واسطه اجرایی شدن تمهید لغو اکران رایگان و آزاد فیلم‌ها، این بار با نظم بیشتر و خیال آسوده‌تر به تماشای آثار موردعلاقه خود نشستند.

۶ انعکاس حقیقت؛ حضور فعال و پررنگ اصحاب رسانه در نخستین روز برگزاری جشنواره سیزدهم هم مشهود بود. به خصوص خبرنگاران میکروفن به دستی که در گوشه و کنار به صورت تصویری و یا صوتی در حال گفتگو با مستندسازان و مخاطبان حاضر در «سینماحقیقت» بودند. فعالیت استودیوهای پخش زنده از سیما هم از نکات قابل توجه در فضای عمومی جشنواره از همین روز نخست بود.

۹ قضاوت مخاطبان؛ هنگام ورود به سالن‌های نمایش به سنت هر ساله و به منظور ارزیابی نظر مخاطبان برای معرفی بهترین فیلم جشنواره از نگاه مخاطبان، برگه‌های رأی‌گیری در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. از اتفاقات جالب اما تصویر خروج مخاطبان از سالن است؛ جدیت مخاطبان «سینماحقیقت» برای انداختن آرای خود به صندوق‌های نظرخواهی و مشارکت در ارزیابی فیلمی که روی پرده دیده‌اند از نکات جالب توجه در روز اول جشنواره بود.

۱۰ منوچهر انور گوینده این مستند باد صباست که سال ۱۹۷۸ نامزد جایزه اسکار بهترین مستند شد، انور در مراسم افتتاحیه جشنواره که همراه با بخش بخش‌هایی از مستند باد صبا بود گفت: لامورس می‌خواست اورسن ولز نریشن را بگوید اما در ایران با مخالفت روبرو شده بود و بسیار ناراحت و عصبانی بود تا اینکه یکی از دوستان مشترک من را به او معرفی کرد...

چهره‌ها

ارد عطارپور

رویایاماسیاه

ارد عطارپور از چهره‌های باسابقه و معتبر سینمای مستند ایران است که امسال با تازه‌ترین ساخته‌اش در بخش اصلی حضور دارد؛ «رویایاماسیاه» ارد عطارپور می‌توانید امروز ساعت ۱۶ در سالن یک تماشا کنید.

فدر یکوفلینی

یاداستاد

فلینی؛ ابدی» عنوان مستندی به کارگردانی یوجینو کاپوچو است که در بخش مستندهای پرتره جشنواره امسال اکران می‌شود و می‌توانید امروز ساعت ۲۰ در سالن شماره ۳ به تماشای آن بنشینید.

حسام اسلامی

پروژه خاص

کارگردان مستند تحسین شده «متهمین دایره بیستم» فیلم تازه‌اش را با همراهی عطیه عطارزاده نویسنده، کارگردانی کرده است؛ «پروژه ازدواج» حسام اسلامی امروز ساعت ۱۶ در سالن ۶ رونمایی می‌شود.

تجربه‌های خاص؛ فیلم‌های خاص

نشست رسانه‌ای «فیلم - خبر»
روز اول
مجری کارشناس: محمدرضا مقدسیان



قرقبان

کارگردانان: فتح‌الله امیری، نیما عسگری
محافظان خصوصی

فتح‌الله امیری (کارگردان)

● یکی از دوستان چند بار تماس گرفت و خبر از شیوه تازه‌ای از حفاظت در حیات وحش به صورت خصوصی در ایران داد که بسیار هم تازه بود. با نیما عسگری طرح موضوع کردیم و نیما در سفری به آن منطقه، تصاویری از این فضای حفاظت خصوصی در ایران و قرقبان‌ها (که اصطلاح به کار رفته برای این گروه بود)، گرفت و به این نتیجه رسیدیم که این موضوع جزو دغدغه‌های ما است. به همین دلیل از 2 سال و نیم پیش شروع به ساخت مستند «قرقبان» کردیم.

● قبلاً با خودم می‌گفتم در ژانری کار می‌کنم که برخلاف گونه‌هایی مانند مستند اجتماعی حاشیه‌ای ندارد، یعنی ژانر محیط‌زیست و حیات وحش. اما فکر نمی‌کردم زمانی این ژانر هم تا این اندازه درگیر حواشی شود. این عوامل اما باعث نمی‌شود که ما بخواهیم تغییر ژانر بدهیم. من و نیما ترکیب خوبی برای دغدغه‌هایی از این جنس هستیم. فیلم هم برای جشنواره‌ها نمی‌سازیم. ما ابتدا محیط‌بان هستیم و بعد مستندساز.

● هر چقدر هم فیلم درباره محیط‌زیست بسازم باز هم دغدغه اصلی من یوز ایرانی است. این فیلمم درباره یوز ایرانی نیست، اما باید بگویم هنوز هم مسئله یوز

قیچی

قصه قصور

الناز دیباقر (کارگردان):

● مستند «قیچی» مستندی درباره قصور پزشکی است که از دو سال پیش من و خانواده‌ام درگیر آن بودیم و در همان زمان به ذهنم رسید این مستند را بسازیم. همه تجربه‌هایم در مسیر پیگیری این پرونده را ثبت کردم و شهریور ماه امسال که پرونده ما مختومه اعلام شد، کار فیلم هم به پایان رسید. این اولین فیلم من است و اولین اکران آن هم در جشنواره سینماحقیقت است.

● من در این فیلم زندگی شخصی خودم و خانواده‌ام را روایت کرده‌ام و به صراحت نحوه برخورد مسئولان قضایی، بیمارستان‌ها، نظام

ایرانی جدی گرفته نمی‌شود. کارهای ساده‌ای که برای نجات یوز ایرانی می‌توان انجام داد هم مغفول مانده است و فارغ از مسئله فیلم‌سازی نمی‌دانم چرا در این زمینه کاری صورت نمی‌گیرد. مستند یوز ایرانی به دلایل امنیتی از تلویزیون پخش نشد و آن مستند نهایت از سوی هزار مخاطب جشنواره‌ای دیده شد. اگر آن فیلم دیده می‌شد حتماً می‌توانست اثرگذار باشد.

نیما عسگری (کارگردان)

● ساخت این مستند پیشنهاد یک دوست بود. بعد از تحقیقات به این نتیجه رسیدیم که می‌توان یک فیلم بر اساس این سوژه ساخت. می‌دانستیم این سبک از حفاظت می‌تواند موافقان و مخالفانی داشته باشد اما نکته مهم این بود که این روش خصوصی، تجربه موفق‌تری در کشورهای دیگر داشته است.

● فیلم‌های اولیه ما بیشتر ناظر به حیات وحش بود اما کارهای اخیر ما غالباً انسان محور و مشخصاً مبتنی بر بحث حفاظت از گونه‌های مختلف در حیات وحش است. این موضوع دغدغه ما است و تلاش داریم متمرکز بر همین سوژه کار کنیم.

● مستندی که درباره پلنگ و از بین رفتن آن ساختیم، باعث یک تابوشکنی شد و برخلاف قدیم که نسبت به انتشار خبرهای مرتبط با بین رفتن گونه‌های حیات وحش حساسیت وجود داشت، حالا بسیاری از رسانه‌ها در این زمینه کار می‌کنند و این تأثیر ساخت مستندهای حیات وحش است.

پزشکی و غیره را به تصویر درآورد.

● برای ساخت این مستند دو چالش بزرگ داشتیم؛ اول اینکه تا زمانی که تدوین این فیلم به پایان رسید مدام ذهنم پرش داشت و نمی‌دانستم قرار است چه اتفاقی در روایت بیفتد و مدام سوژه‌های جدید به ذهنم می‌رسید. چالش دوم هم این بود که به عنوان یک آدم محافظه‌کار برایم سخت بود که تجربه شخصی و زندگی‌ام را برای عده‌ای غربیه روایت کنم. تصمیم گرفتم با این ترس مواجه شوم تا این فیلم ساخته شود. تمام اتفاقاتی که در زمینه‌های مختلف تجربه می‌کنیم حاصل ترس‌ها و عقب‌نشینی‌های ما است. سلامت مادر من دیگر بر نمی‌گردد اما یک هدف داشتیم تا حرفم را به گوش دیگران هم برسانم.

● حرف‌هایی که در مستند «قیچی» زده‌ام

خانه سنگی

جذابیت اتفاقات آنی

محمدعلی یزدان پرست (کارگردان):

● مواجهه با سوژه مستند «خانه سنگی» تقریباً اتفاقی بود. سوژه ما فرد دیگری بود و در قالب دوربین مخفی قرار بود آن کاراکتر وارد محلی شود و مواد بخرد، اما همان روز اول او را گرفتند و دیگر هم خبری از او نشد! درگیر این اتفاق بودیم که دو نفر سوژه «خانه سنگی» را در محل نگهداری معتادان در بهزیستی دیدیم. پروژه اندکی خوابید تا بتوانیم به این دو کاراکتر نزدیک شویم.

● فکر می‌کردم هر چقدر بتوانم موضوع فیلم را سخیف‌تر و سیاه‌تر به تصویر بکشم، تأثیرش بر مخاطب بیشتر خواهد بود. می‌خواستیم آن‌هایی که اعتیاد را هم نمی‌شناسند تا انتهای این مسیر را ببینند. ما تا یک قدمی مرگ یکی از این کاراکترهای پیش رفتیم. من فیلم‌نامه را هر شب بر اساس اتفاقات می‌نوشتیم. اگر ابراهیم در آن اتفاق فوت می‌کرد قطعاً مسیر داستان تغییر می‌کرد.

● اتفاقات آنی در این مستند بسیار برایم جذاب بود. تا روزی که خروجی کار در تدوین گرفته می‌شد، منتظر بودم تا اگر خبر تازه‌ای می‌شود آن را به جریان اتفاقات اضافه کنم.

همه‌اش مبتنی بر مستندات است و جز بخشی که شاهد یک نمایش و تئاتر هستیم، در هیچ بخشی در واقعیت دست نبردم و همه چیز طبق واقعیتی که در جریان بود روایت شده است.

● هدفم از ساخت مستند «قیچی» این بود که تلاش کنم در این زمینه ترسیم و فکر می‌کنم هیچ تلاشی بدون نتیجه نمی‌ماند. امیدوارم «قیچی» هم در حد یک فیلم باقی نماند و در زمینه قصور پزشکی بتواند تأثیرگذار باشد. برای همین برای اکران دوم فیلمم از وزرای فعلی و سابق بهداشت و مدیران بیمارستانی که سوژه این فیلم در آن روایت می‌شود، دعوت می‌کنم به تماشای مستند 38 دقیقه‌ای من بنشینند تا متوجه شوند یک اشتباه چه تأثیری می‌تواند در زندگی آدم‌ها داشته باشد.



قصه دختران فروغ

تراژدی دختران
خاطره حناچی (کارگردان):

● این فیلم از سال 91 ساختش آغاز شد. ایده آن هم ناشی از یک دغدغه شخصی بود. سال 91 بود که متوجه شدم برخی از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست کنسرتی در تهران دارند. برایم جالب بود که این بچه‌ها سرپرست‌های خود را پدر و مادر خود می‌دانستند. پس از ماجرا تبدیل به دغدغه شخصی من شد. من در طول سال‌ها دغدغه مادری و مادر شدن داشتم. به همین واسطه با این بچه‌ها آشنا شدم. سال 94 تدوین کار تمام شد اما مسئولان خانه جلوی پخش فیلم را گرفتند. سال 96 متوجه نکات تازه‌ای شدیم و کار ادامه پیدا کرد. مسئله این بود که در این 7 سال دغدغه من تغییر کرد و دیگر دغدغه محوری‌ام مادری نبود. سؤال این بود که من به‌عنوان یک انسان تا کجا اجازه دارم در مقام یک خیر وارد زندگی آدم‌ها شوم. من فیلم را مختص به این زوج خاص نمی‌بینم و مربوط به همه کسانی است که با نیت خیر به دنبال سرپرستی کودکانی از این دست هستیم. مسئله‌ام این است که مادر این مقام چه زندگی‌ای می‌توانیم برای این بچه‌ها بسازیم.

دکتر تشکر (جامعه‌شناس):

● هر فردی پروژه‌ای در زندگی دارد و آن را دنبال می‌کند، مانند خانم حناچی که پروژه‌اش ساخت یک فیلم بود. اما کمتر کسی هست که فکر کند، پروژه‌اش چه تأثیری بر جامعه و اطرافیان خواهد داشت. خانم حناچی می‌داند با فیلمش می‌خواهد سؤالات جدی پیش روی جامعه بگذارد. غیر از این مورد، افرادی که سوژه این مستند هستند هم پروژه‌ای داشته‌اند که به اثر و نتیجه آن فکر نکرده‌اند. نکته فیلم دقیقاً این است که باید برای هر پروژه‌ای به نتیجه آن فکر کنیم. معمولاً فیلم‌های مستندی که ساخته می‌شود و فیلم‌سازش می‌گوید که براساس یک دغدغه شخصی آن را ساخته‌ام، باز هم اثرشان سؤالاتی را پیش روی مخاطب و به تعبیری جامعه می‌گذارد.

آن‌ها

درباره تبعیض

رضا عیبات (کارگردان):

● ما نابینایی را می‌توانیم امتحان کنیم، اما هر کار کنیم که نخواهیم صداها را بشنویم، باز هم می‌شنویم. حتی در اتاق بدون پژواک هم صدای قلبت را می‌شنوی و فرار می‌کنی. دنیای ناشنوایان، دنیای دیداری است. دنیایی که آدم‌ها با چشم خود می‌شنوند. ناشنوایان همیشه در سوءتفاهم با شنوایان هستند. شاید در ابتدا برایمان مواجهه با یک ناشنوا جذاب باشد اما اگر اندکی رابطه طولانی شود، گویی با یک آدم از زبان دیگر مواجه هستی و آرام‌آرام از آن‌ها دور می‌شوی و آن‌ها هستند که تنها می‌مانند. ناشنوایان بی‌نهایت تنها هستند و وقتی به هم می‌رسند، هر آنچه می‌دانند و خوانده‌اند را با هم به اشتراک می‌گذارند؛ تا می‌توانند با هم صحبت می‌کنند.

● برای این مستند تمی مدنظر بود و می‌خواستیم درباره «آن‌ها» بی صحبت کنیم که باعث تبعیض می‌شوند. آن‌هایی که مرزها را ایجاد می‌کنند تا از سرمایه‌های خود حفاظت کنند. آن‌هایی که در همه تاریخ هم بوده‌اند. اما مثالی می‌خواستیم که در آن نژاد، دین و زبان دخیل نباشد. برای نشان دادن تبعیض به این دلیل بود که سراغ ناشنوایان رفتیم.

● یک بار با دوستی درباره تبعیض صحبت می‌کردم و آن قدر هم درباره این مسئله توضیح می‌دادم اما گویی متوجه اهمیت موضوع نمی‌شد. آنجا بود که احساس کردم، بعضی زبان‌ها و فکرها در زمینه تبعیض اساساً فهمیده نمی‌شوند و به همین دلیل قابل درک نیستند. مثل ممنوعیت یا آزادی سقط‌جنین در یک جامعه که برای من به‌عنوان یک مرد اساساً اهمیت آن شاید قابل درک نباشد.

● در پشت‌صحنه مستند «آن‌ها» من 4 مترجم داشتم که به‌صورت هم‌زمان حرف‌های کاراکتر مقابل دوربین را برایم ترجمه می‌کردند تا متوجه گفته‌های کاراکترها شوم و بتوانم سریع با آن‌ها ارتباط بگیرم. به همین دلیل احساس می‌کردم من اساساً آن‌ها را می‌فهمم و به همین دلیل خیلی راحت بودند و شاید به این دلیل بود که کار، کات‌های اندکی دارد.

● فیلم من یک دعوت است و مخاطب را به یک دنیای تازه دعوت می‌کند. می‌خواستیم فیلمی بسازیم که مخاطب هم از آن لذت ببرد و فکر می‌کنم اگر مخاطب نتواند از فیلم من لذت ببرد عملاً کاری نکرده‌ام.

آهسته و آرام

همگام با حلزون

دلاور دوستانیان (کارگردان):

● من متولد ایلام هستم اما در رشت زندگی می‌کنم. مدتی قبل زمانی که با جماعتی از حلزون‌ها مواجه شدم و ایده‌ای به ذهنم رسید. روایتی که امروز در فیلم می‌بینید حاصل 6 ماه دنبال کردن همین ایده است.

● من برای مستندهایم زیاد راش نمی‌گیرم و دوربین نمی‌کارم. بیشتر تلاش می‌کنم به سوژه‌ام نزدیک شوم. شاید در اروپا برای چنین مستندی خیلی هزینه کنند اما من با هزینه شخصی‌ام باید این فیلم را می‌ساختم و به همین دلیل تجهیزات را خودم می‌سازم. مثلاً تراولینگ و ریلی در مختصات همین حیوانات ریز ساخته‌ام که بتوانم بخشی از این تصاویر را ضبط کنم.

● از آنجایی که کل فیلم زیر باران است، بالاخره بخش‌هایی از کار برایم خسته‌کننده می‌شد. من با حشراتی سریع مواجه بودم که ناگهان با یک خیز 5 متر جابه‌جا می‌شد. باید خودم را با او هماهنگ می‌کردم. مضاف بر اینکه باید همه نماها به‌صورت دکوپاژ شده دیده می‌شد. در صحنه تصادفی که در فیلم هست و شاهد له شدن حلزون هستیم، عملاً ماشین از روی دوربین من هم رد شد! کل این مستند را به‌صورت انفرادی و تک نفره ساختم اما این سبک کار را به کسی پیشنهاد نمی‌کنم.

● خیلی دیر شروع به فیلم‌سازی کردم و پیش از آن عکاس طبیعت بودم. با خودم عهد کرده‌ام فیلمی بسازم که از نظر بصری و روایت خاص باشد. سبک مستندسازی امروز در خارج از کشور هم تغییر کرده است. خیلی کم از نریشن استفاده می‌شود و تلاش کردم من هم به حدی که می‌توانم به این فضا نزدیک شوم.

● در ایران معمولاً مستندهای اجتماعی مورد توجه و قبول قرار می‌گیرد؛ چه از سوی مخاطبان چه از سوی داوران جشنواره‌ای و این نگران‌کننده است. تلاش می‌کنم داستان‌هایم را به شکل متفاوتی روایت کنم و در ادامه راهم احتمالاً سراغ کاراکترهای انسانی هم بروم.

بانو

بانوی قهرمان

محمد حبیبی منصور (کارگردان):

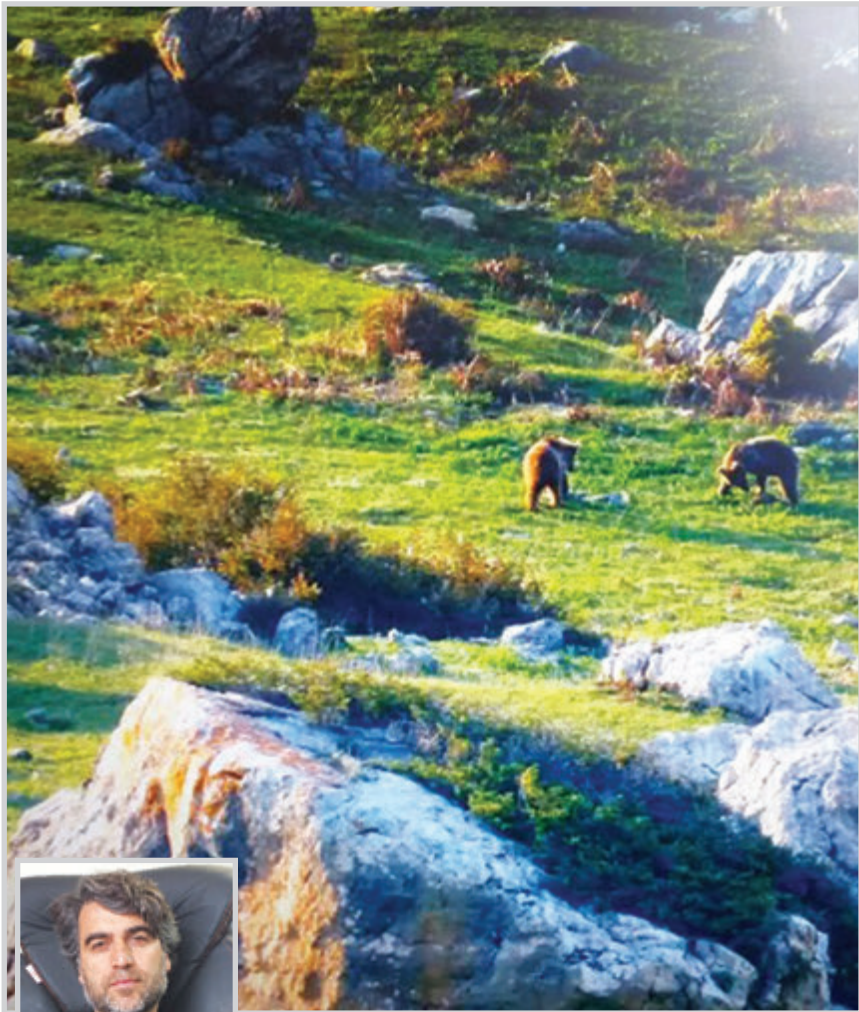
● اگر بخوایم ساده درباره «بانو» صحبت کنیم، می‌گویم بانو قهرمانی است که ما در سینما نداریم. احساس می‌کنم دل‌مان برای قهرمان در سینما تنگ شده است. خودم را که جای یک نوجوان می‌گذارم، با خودم می‌گویم واقعاً ما قهرمان ملی نداریم؟ اگر هست چرا در سینمایمان جایشان خالی است. برای خود من آدم‌ها به میزانی که دوز فداکاری‌شان بالاتر می‌رود قهرمان تر می‌شوند.

● من مستندسازم و زندگی‌ام در سفر می‌گذرد. در سفری که به اهواز داشتم و روی سوژه کارهای عام‌المنفعه کار می‌کردم، از طرف فردی، بانو عصمت به ما معرفی شد تا با او هم گفتگو کنیم. آشنایی با او باعث شد که پروژه قبلی را تعطیل کنم و به‌رغم قراردادی که برای آن کار داشتیم، سراغ ساخت مستند «بانو» رفتیم.

● برای من در خلق اثر هنری، برایم مهم است که به سوژه‌ام عشق بورزم و فکر می‌کنم مخاطب هم این عشق را می‌فهمد. آن کارهایی که تبدیل به آثار شعاری می‌شود دقیقاً همان کارهایی است که این عشق به آن نیست. مثل کسی که باور ندارد و سریال ماه رضایی دینی می‌سازد. من در مستند «بانو» سوژه‌ام را به معنای واقعی دوست داشتم. مخاطب امروز به‌شدت آگاه است. فیلم دیده است و نگاه سالمی دارد. به همین دلایل باید به مخاطب احترام گذاشت تا بداند قرار نیست از احساساتش سوءاستفاده شود.

● در مسیر ساخت این مستند که 6 ماه زمان برد، تلاش بسیاری کردیم با دوربین به مرحله‌ای برسیم که گویی در کنار بانو عصمت حضور نداریم و خود واقعی‌ای او را ثبت کنیم. به تعبیر شهید آوینی، تلاش کردیم حجاب دوربین را بشکنیم.

● برایم عجیب است که ما امروز چقدر نسبت به قهرمانان ملی بی‌توجهیم. قهرمانان ملی موتور حرکت جامعه هستند. اگر متوجه این ظرفیت بودیم باور کنید اقتصاد امروز ما هم اصلاح می‌شد. کم‌اینکه بانو عصمت امروز یک کارآفرین نمونه در منطقه زندگی خود است.



پرنده «هما» برشانه‌های سینمای مستند

روایت علی احمدی زرین کلایی درباره مستند «بر فراز صخره‌های مرتفع»

ساراشمیرانی

خلاصه فیلم خیلی کوتاه و مختصر توضیح داده شده است. موضوع مستند «بر فراز صخره‌های مرتفع» درباره پرنده «هما» است. پرنده‌ای که بنا بر گفته کارگردان فیلم از ۴ پرنده بزرگ دنیا به حساب می‌آید و نسل آن در ایران در حال انقراض است. علی احمدی زرین کلایی به دلیل روایت‌ها و شعرهای زیادی که درباره این پرنده وجود دارد و البته علاقه شخصی‌اش به دنیای پرنده‌ها ترغیب می‌شود تا مستندی درباره «هما» بسازد. پرنده‌ای خوش‌بین که در داستان‌های اساطیری اگر روی شانه کسی می‌نشست، آن فرد پادشاه شهر می‌شد. این پرنده عظیم‌الجثه حالا موضوع مستندی ۳۰ دقیقه‌ای است که در جشنواره حقیقت امسال حضور دارد و تلاش زیادی برای ساخت آن صورت گرفته. با علی احمدی زرین کلایی درباره مستند «بر فراز صخره‌های مرتفع» گفتگو کردیم.

۲ سال جستجوی مداوم برای پیدا کردن همای ایرانی

جرقه ساخت فیلم ۵ سال پیش زده شد. وقتی که پرنده هما تبدیل به راز و رمزی برای همه دوستداران محیط زیست شده بود. پرنده‌ای بزرگ که تنها آن را هنگام پرواز دیده بودند و در حیات وحش پرنده‌ای دست نیافتنی به حساب می‌آمد. علی احمدی می‌گوید: «وقتی تصمیم گرفتیم مستندی درباره «هما» بسازیم باید در قدم اول آشیانه آن را پیدا می‌کردیم. پیدا کردن لانه این پرنده با توجه به کمیاب بودن آن در کشور، کار ساده‌ای نبود برای همین هم از سال ۹۳ تا ۹۵ در جستجوی آشیانه این پرنده بودیم و در نهایت آن را در بالای صخره‌های مرتفع پیدا کردیم. صخره‌ای که حتی کوهنوردها هم به سختی می‌توانستند به آن راه پیدا کنند اما ما مجبور بودیم برای ساخت مستندمان این صخره را بارها بالا برویم و حتی گاهی دست خالی برگردیم. ما بعد از پیدا کردن آشیانه «هما»، سال ۹۶ فیلمبرداری را آغاز کردیم و ۴ ماه زندگی این پرنده را بررسی کردیم. ۴ ماهی که توانست به ما ابعاد زیادی از زندگی این پرنده عجیب را نشان دهد و برایمان کشف تازه‌ای بود.»

حمله حیوانات وحشی حین ساخت مستند

کار کردن در صخره‌های مرتفع کار چندان ساده‌ای نیست. به خصوص اینکه تجهیزات زیادی برای ساخت یک مستند نداشته باشید. فکر کنید برای رسیدن به

آشیانه «هما» از یک مسیر مرتفع و سخت عبور کنید و آن جا به هیچ کس و هیچ چیز دسترسی نداشته باشید. علی احمدی می‌گوید: «هنگام ساخت این مستند ریسک‌های زیادی پیش روی ما وجود داشت. دوربین‌هایی که داشتیم دوربین‌های ساده‌ای بود و ما نمی‌خواستیم مثل باقی مستندهای حیات وحش دوربین را کار بگذاریم تا از پرنده فیلمبرداری کند، به همین دلیل نیاز داشتیم تا به سوژه بسیار نزدیک شویم تا تصاویرهای خوبی بگیریم. ضمن اینکه در ارتفاعات حیوان وحشی زیادی وجود داشت. دوبار حین فیلمبرداری خرس و پلنگ به گروه ما نزدیک شدند و آماده حمله بودند که ماجرا به خیر گذشت. حتی فیلم آن‌ها هم موجود است. همین نزدیک شدن آن‌ها می‌توانست به حمله منجر شود که البته خدا به ما رحم کرد. با همه این حرف‌ها ما تصمیم گرفته بودیم تا زندگی این پرنده را رصد کنیم و نباید با پس می‌کشیدیم. به همین دلیل هم با زحمت‌های فراوان توانستیم این مستند سی دقیقه‌ای را آماده کنیم.»

زندگی «هما» ادامه دارد

پرنده هما که تبدیل به گونه نادری در کشور ما شده است، حالا توسط گروهی از مستندسازان جوان ایرانی تبدیل به یک فیلم شده است. فیلمی که می‌توانست با همه این مشقت‌ها طولانی‌تر باشد و تنها به ۳۰ دقیقه خلاصه نشود. کارگردان درباره مدت زمان مستند «بر فراز صخره‌های مرتفع» می‌گوید: «پرنده فیلم برای من بسته نشده است. حتی با اینکه فیلمبرداری سال ۹۶ تمام شد من آنقدر کنجکاو بودم که سال بعد هم سراغ «هما» رفتم اما آن را در آشیانه‌اش پیدا نکردم. بعدها در مقالات مختلف علمی خواندم که «هما» هر دو سال یکبار به آشیانه‌اش می‌رود و جفتگیری می‌کند. برای همین امسال دوباره رفتم و دیدم پرنده «هما» برگشته. حالا با همه مخاطراتی که وجود دارد، قرار است دوباره در زمستان به آنجا برویم و از جفتگیری و تخم گذاشتن آن هم مستندی تهیه کنیم. مستندی که می‌تواند «بر فراز صخره‌های مرتفع» را تکمیل کند و به مخاطب اطلاعات بیشتری بدهد. بخشی از مستندی که امسال به جشنواره رسیده روایت سختی‌های تیمی است که خود را به خطر انداختند تا درباره این پرنده اطلاعات کسب کنند. هر چند در زمستان مخاطرات بیشتری ما را تهدید می‌کند با این حال اما تصمیم گرفتیم تا این مستند را کامل کنیم و یک اثر ماندگار ارائه دهیم.»

ساخت مستند با هزینه‌های شخصی

«بر فراز صخره‌های مرتفع» مبتنی بر تصویر است نه روایت. به همین دلیل هم می‌تواند مخاطب را با خود در هر جای دنیا با خود همراه کند و نیازی به توضیح ندارد. این جمله را کارگردان این مستند می‌گوید و ادامه می‌دهد: «با همه این حرف‌ها نه به جایزه فکر می‌کنم و نه به حضور در جشنواره‌های خارجی. شاید به این دلیل که دوست دارم در مستندسازی پخته‌تر شوم و بعد بتوانم با دست‌پُر در جشنواره‌ها حاضر باشم.» علی احمدی می‌گوید: «هنوز هم سینمای مستند مهجور است و پیدا کردن یک تهیه‌کننده کار سختی است. مخصوصاً وقتی نمی‌توانی مدت زمان مشخصی برای ساخت مستند ارائه کنی. روز اول ساخت این مستند، یک محیط‌بان همراه ما آمد ولی بعد که سختی مسیر را دید از کار انصراف داد و دیگر ما را همراهی نکرد. ما ۴ ماه بدون راهنمایی این صخره‌ها را بالا رفتیم و منتظر ماندیم تا پرنده از آشیانه‌اش بیرون بیاید و فیلم بگیریم که البته گاهی هم دست خالی بر می‌گشتیم. با چنین وضعیتی تهیه‌کننده‌ها سخت راضی می‌شوند که روی کار سرمایه‌گذاری کنند به همین دلیل هم همه چیز دوستانه پیش رفت و بالاخره این فیلم ساخته شد. فیلمی که بدون شک برای علاقمندان به حیات وحش بسیار جذاب خواهد بود و دنیای تازه‌ای از زندگی این پرنده را به همه نشان خواهد داد.»



نیاز داشتیم تا به سوژه بسیار نزدیک شویم تا تصاویرهای خوبی بگیریم. ضمن اینکه در ارتفاعات حیوان وحشی زیادی وجود داشت. دوبار حین فیلمبرداری خرس و پلنگ به گروه ما نزدیک شدند و آماده حمله بودند که ماجرا به خیر گذشت



درباره مسئله‌ای بزرگ اما پنهان

گفت و گو با بابک گودرزی نژاد که با نگاهی پژوهشی روابط زناشویی ناموفق را در مستندش، ناگفته‌های شهر شلوغ مورد بحث قرار می‌دهد

هانیه درویش

بابک گودرزی نژاد مستندسازی را از سال ۷۸ شروع کرد اما چون مستندسازی حرفه‌ای او نبود و به عنوان یک دلمشغولی به آن نگاه می‌کرد سعی کرد هر چند سال یک بار با موضوعی که دغدغه آن روزهای مردم سرزمینش بود به سراغ سوژه رود و حرف‌های ناگفته‌ای را به چالش بکشاند. ناگفته‌های شهر شلوغ هم از این قاعده مستثنی نیست و با یک طرح مساله مخاطب را به فکر وامی‌دارد. مساله‌ای که به معضل روابط زناشویی ناموفق می‌پردازد و ناگفته‌های زیادی در خود دارد که شاید در یک مستند کوتاه ۳۵ دقیقه‌ای ننگند.

● **باتوجه به اینکه روابط زناشویی ناموفق دلیل جدایی بسیاری از زوج‌ها است اما شاید بتوان گفت تاکنون هیچ مستند و فیلمی نداشته‌ایم که مستقیم به سراغ این موضوع مهم برود. چه شد که شما جسارت ورود به این موضوع را که به نوعی در جامعه ما تابو محسوب می‌شود پیدا کردید؟**

در فیلم زیر پوست شهر طی مصاحبه‌ای که در فیلم صورت می‌گیرد، خانم گلاب آدینه جلوی دوربین می‌گوید کاش کسی باشد که عکسی از دل ما بگیرد. این حرف یک زن برای من خیلی تاثیرگذار بود و خیلی من را درگیر خودش کرد. که در دل زن‌های ما و یا حتی مردان ما چه می‌گذرد. من فکر می‌کنم موضوع روابط زناشویی ناموفق حرف دل خیلی از مردم است که ناگفته باقی مانده. بسیاری از خانم‌ها به خاطر فرهنگ خاص جامعه ما آن را بیان نمی‌کنند و بسیاری از آقایان آن را پنهان می‌کنند و سعی می‌کنند با شیوه‌های نادرست تنها مسکنی موقتی برای آن پیدا کنند. ناگفته‌های شهر شلوغ بیشتر نگاه اجتماعی دارد. این یک فیلم چند ایزودی است درباره شهر شلوغ تهران و در حقیقت طرح مسئله‌ای است که در جامعه ما تابو است.

● **برای ساخت مستندی بر مبنای سوژه‌ای که اغلب مردم سعی در پنهان کردنش دارند به چه مشکلاتی برخوردید؟**

حدود ۴ سال تحقیق و پژوهش کردم و در این بین با روانشناسان، سکس تراپیست‌ها، جامعه‌شناسان و پزشکان در ارتباط بودم اما یکی از مشکلات این موضوع در جامعه ما این است که دیگر افراد غیر کارشناس هم نظر کارشناسی می‌دهد. از عطاری گرفته تا داروخانه‌ها. بهر حال من سعی کردم نظرات همه این اقشار را به صورت عادلانه‌ای در مستند مطرح کنم ولی طبیعتاً ما باید به یک سری ارگان‌هایی برای این کار مراجعه می‌کردیم که خوشبختانه در این قضیه مرکز مشاوره بهداشت و روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی خیلی روشن و شفاف با من همکاری کردند و از این بابت به مشکلی برخوردیم اما مشکل اصلی که در طول فیلم با آن سروکار داشتم و

حتی در فیلم هم حل نشد این بود که کسی حاضر نشد جلوی دوربین یا حتی پشت به دوربین در رابطه با این مشکلش حرف بزند. خیلی از افراد آمدند و مصاحبه هم صورت گرفت اما وقتی جلوی دوربین قرار گرفتند حرف‌های اصلی را نزنند و از بیانش طفره رفتند. در طول این مستند بیش از همیشه متوجه شدم حتی نسل جوان هم در این رابطه نمی‌تواند شفاف صحبت کند چه برسد به افرادی که سن بالاتری دارند.

● **در برخی از آثار شما مثل یادداشت‌های شهر شلوغ یا غریبه شهر شلوغ و همین مستند اخیرتان به شهر تهران اشاره دارید، آیا این معضلات را بیشتر متوجه تهران می‌دانید؟**

شاید نام فیلم ناگفته‌های شهر شلوغ، اشاره به تهران باشد اما مخاطب من همه مردم کشور هستند و تهران تنها نمادی از یک جامعه ایرانی است. تهران دیگر شهر افراد تهرانی که زادگاهشان تهران بوده است، نیست. تهران دیگر متعلق به همه است و طبیعتاً حرف‌ها، دغدغه‌ها و معضلاتی که در این شهر وجود دارد در همه شهرها جریان دارد. من در یادداشت‌های شهر شلوغ به کمک افشین هاشمی و سحر دولتشاهی درباره واکنش افراد جامعه به یک درخواست نامتعارف پرداختم و این فیلم در ششمین جشنواره سینما حقیقت دیده شد. این‌ها همه معضلات جامعه هستند و من در قالب موضوعی اجتماعی به آنها می‌پردازم.

● **پیام فیلم‌تان چیست؟**

پیام این فیلم کاملاً روشن است. این موضوع وجود دارد، آن را انکار نکنیم و از راه‌های درست درصدد برطرف کردن آن باشیم. جامعه ما و مخصوصاً زنان این سرزمین از گفتن این موضوع ابا دارند و این بر می‌گردد به اینکه ما هیچ آموزشی تحت این عنوان در جامعه نداریم. بچه‌ها در مدرسه از هم جدا می‌شوند و در دانشگاه با یک سری حرفه‌های خالی که یادگیری نشده وارد می‌شوند. این موضوع هیچ وقت در خانواده‌ها از جانب پدر و مادر مطرح نمی‌شود و منبع تمام این آموزش‌ها به اینترنت و فیلم‌های مستهجن ختم می‌شود و در نهایت خیلی از معضلات و خیانت‌ها که باعث پاشیده شدن کانون خانواده می‌شود به دلیل انکار و پنهان کردن همین موضوع است.



دمکراسی

- کارگردان
- تورج کلانتری
- مدت زمان
- ۴۰ دقیقه
- خلاصه فیلم

این مستند طنز تلخی در مورد اتفاقاتی است که در انتخابات شوراها در یک منطقه نزدیک پایتخت رخ می‌دهد. در مستند سعی شده با نگاهی طنز به چالش دمکراسی پرداخته شود.

پشت صحنه

یک روند دمکراتیک

مستند دمکراسی، یک مستند در ارتباط با سه تا از کاندیداهای شورای شهر رباط کریم است. این کاندیداها پیش از این در شورای شهر عضو بودند و حالا می‌خواهند دوباره برای عضویتشان رای جمع کنند. ما پشت صحنه این ماجرا را نشان می‌دهیم. این رای‌گیری در سال ۹۶ و همزمان با انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفت. رقابت و تلاش برای جمع‌آوری رای توسط این سه کاندیدا در پیچ‌های رای‌دهی و تامل درباره‌ی پدیده دمکراسی پیش روی مخاطب می‌گشاید.

بحث رای‌گیری و رای دادن به شکل امروزی؛ یعنی شکلی که توده‌های مردم بتوانند رای دهند و نمایندگان خود را انتخاب کنند، در کشور ما پیشینه‌های طولانی ندارد. رای دادن در ایران، نهایتاً سابقه‌ای صد ساله دارد. ما باید بدانیم چه رای دادن و چه رای ندادن ما، بر روند دمکراسی تاثیرگذار است. در این فیلم تلاش شده تا این موضوع نمایش داده شود.

درباره‌ی پشت صحنه‌ی دمکراسی صحبت چندانی نمی‌شود و ما شناخت کمی از آن داریم. رسانه‌ها زوایای پنهان یک رای‌گیری را معمولاً نشان نمی‌دهند. من خواستم با نشان دادن این پشت‌صحنه، ذات دمکراسی را نشان دهم که مخاطب با مواجه شدن با این امر واقع و در چارچوب یک طنز بتواند رقابت را ببیند و آگاه شود.

به دلیل این که پشت صحنه‌های دمکراسی را نمی‌بینیم، خیلی وقت‌ها بیشتر از این که بازی کنیم، بازی می‌خوریم. جدی را شوخی تلقی می‌کنیم و آنچه چندان جدی نیست را زیادی جدی می‌گیریم. هنوز آشنایی ما نسبت به این مقوله کم است. این گونه نیست که بگوییم چون از ۱۸ سالگی رای دادیم پس همه چیز را درباره‌ی دمکراسی می‌دانیم و آدم‌های زنده‌ای هستیم.

برای ساخت این فیلم با کاندیداها حرف زدیم و درخواستمان را گفتیم. ما با حرف‌هایمان و توضیح اهدافمان کاندیداها را قانع کردیم. سیاست در زندگی ما نقشی جدی دارد. حتی اگر بگوییم آدم سیاسی نیستیم، سیاست روال زندگی ما را جهت می‌دهد. ما در جریان سیاست شریکیم. چه رای داده باشیم و چه در انتخابات شرکت نکرده باشیم. خوب است که مقداری از این روندهای سیاسی فاصله بگیریم و پشت صحنه‌ی آن را تماشا کنیم تا بفهمیم این قصه چگونه ایجاد می‌شود. شاید اگر آگاهی بیشتری از این روند پیدا کنیم، بازی را درست‌تر انجام دهیم. اما معمولاً روند را نمی‌شناسیم و با دعوت شعاری رسانه‌ها وارد بازی می‌شود. آگاهی به ما کمک می‌کند که بازی را جدی‌تر بگیریم و فعال‌تر باشیم.



NO.2
10th DEC
2019

IRAN International Documentary Film Festival



انتخاب دوربین و فرمت برای فیلم مستند

● مدرس
ارسطو مداحی گیوی

فول فریم بخیریم یا نه؟

گزارشی از کارگاه انتخاب دوربین و فرمت برای فیلم مستند

سمیرانوری

Sanouri1988@gmail.com

با گسترش عکاسی و فیلم‌سازی انواع بسیار زیادی از دوربین‌ها روانه بازار شده است. این دوربین‌ها بسته به این که چه کاری قرار است انجام دهند، از قابلیت‌ها و امکانات جدیدی برخوردار شده‌اند. کارگاه انتخاب دوربین و فرمت برای فیلم مستند که توسط ارسطو مداحی گیوی ارائه شد به معرفی چند دوربین و محدودیت‌ها و کارایی آن‌ها پرداخت.

طرز کار ما قدیمی است

ما هنوز در بسیاری از مواقع با دوربین‌های SD قدیمی کار می‌کنیم. ولی این دوربین‌ها نباید در کارهای جدی مثل سریال و فیلم به کار رود. در تمام دنیا برای تلویزیون از دوربین‌های ۵۰ مگابیت بر ثانیه استفاده می‌کنند. این استاندارد امروز دنیا است. ولی در کشور ما هنوز از دوربین‌های ۲۵ مگابیت استفاده می‌شود. در حال حاضر دوربین‌هایی با سنسور یک اینچ به بازار آمده است. چون فریم سینما یک اینچ و خورده‌ای است. برای حل مشکل استفاده از دوربین عکاسی برای فیلمبرداری، کنون مدل‌هایی را روانه بازار کرد که نه شبیه دوربین فیلمبرداری بود و نه عکاسی.

عکاسی و فیلمبرداری با نیکون

اولین دوربین DSLR که قابلیت ضبط تصویر ویدئویی داشت، سفارش کمپانی مگنوم بود. مگنوم برای دوربین‌های سازمانی‌اش از نیکون استفاده می‌کرد. از این رو به نیکون سفارش داد تا در کنار دوربین عکاسی، دوربینی بسازد که بتواند سه دقیقه فیلم بگیرد. یعنی تمایل داشتند تا با یک دوربین بتوانند هم عکاسی و هم فیلمبرداری کنند. به این ترتیب نیکون دوربین D90 را ساخت. یکی از ویژگی‌های این دوربین این بود که پس از ۵ دقیقه ضبط کردن، خاموش می‌شد. ولی بعدها کنون دوربین عکاسی مارک ۲ را به بازار ارائه داد. این دوربین تعداد فریم بالاتری داشت.

دوازده دقیقه فیلمبرداری برای نخستین بار

زمانی که دوربین‌های ۵D مارک دو به بازار وارد شدند، توانستند یک انقلاب اساسی راه بیندازند. این دوربین‌ها قادر بودند دوازده دقیقه پشت سر هم فیلم بگیرند بدون این که خاموش شوند. ولی این دوربین‌ها معضلاتی نیز داشتند. نمی‌شد با این دوربین‌ها فوکوس اتوماتیک انجام داد. افراد نمی‌توانستند فوکوس را به طور پیوسته در این دوربین‌ها دنبال کنند. سال‌ها طول کشید تا فیلمسازان بتوانند با این دوربین‌ها فوکوس اتوماتیک را انجام دهند. فوکوس دستی بود و از این رو هیچ شاخصی برای آن وجود نداشت. در حالی که رینگ فوکوس باید آسان بچرخد تا در زمان مناسب بتواند عمل کند. این اشکالات در فوکوس DSLR وجود داشت که در سال‌های اخیر به روش‌های متفاوت جبران شد.

تصویر سینمایی در دوربین‌های با سنسور کوچکتر

دو کمپانی آمریکایی و آلمانی برای بار اول دوربین‌های دیجیتالی را ساختند. برای این که نمود تصویر سینمایی در دوربین‌های با سنسور کوچکتر به کار گرفته شود، آداپتوری ساخته شد که در بدنه‌ی اصلی قرار می‌گرفت. این کار هزینه بالایی داشت. فیلمسازان ریسک هزینه بالا را به جان می‌خریدند تا از امکانات دیجیتال استفاده کنند که به این صورت بتوانند فیلمشان را در شرایط ساده‌تر بسازد. این سنسورها، محدودیت‌هایی هم داشت ولی در کل کاری می‌کرد که بیشتر امکان پذیر نبود.

رفع مشکل لبه‌های پیکسل تیز در دوربین‌های ویدئویی

برای این که مادون قرمز را از بین ببرند در دوربین‌ها فیلتر ایرکات می‌گذاشتند. هم‌این در دوربین‌ها سنسور عکاسی دارند. در دوربین‌های ویدئویی چون لبه‌های پیکسل تیز است در جایی که جزئیات زیادی داشته باشد، رگه‌های رنگین‌کمانی پدیدار می‌شود. برای این که در دوربین‌های ویدئویی این مشکل از بین رود، فیلتری به نام لوپس فیلتر اضافه می‌شود. این فیلتر تا حدی شارپنس را کم می‌کند و تیزی لبه‌های پیکسل را از بین می‌برد. به طور کلی دوربین‌های ویدئویی برای زمانی که می‌خواهید از تصویر چند دوربین استفاده کنید مناسب هستند. شما می‌توانید از این طریق، تصویر چند دوربین را از نظر کیفیت با هم هماهنگ کنید.

لوپس فیلتر به کمک فیلم می‌آید

ما باید توجه داشته باشیم که بین عکس و فیلم تفاوت وجود دارد. عکس سال‌ها در یک جا به طور ثابت وجود دارد. ما می‌توانیم مدام آن را ببینیم و به طور پیوسته دنبال ابرادات و جزئیات آن بگردیم. فرصت به قدر کافی برای این کار وجود دارد. ولی در فیلم یک چهل و هشتم ثانیه فرصت دیدن هر صحنه را داریم. در صورتی که لوپس فیلتر اضافه شود، این حالت از بین می‌رود یا کم می‌شود.

به سراغ دوربین‌های هاف فریم بروید

در حال حاضر در بازار دوربین‌های جدی با قیمت ارزان‌تر موجود هستند. دوربین‌هایی که کنون با نام‌های C۳۰۰۰، C۵۰۰۰ و C۷۰۰۰ به بازار ارائه داد، دوربین‌های مناسبی بودند. در ایران هم این دوربین‌ها را می‌توانید پیدا کنید. این دوربین‌ها با لنزهای یواس عکاسی کار می‌کنند. وی‌کم پاناسونیک هم دوربینی است که با سنسور بزرگ به بازار آمد و قیمت ارزان و کیفیت بالایی دارد. در سینما دوربین‌های هاف فریم از نظر قیمت و آسانی کار انتخاب‌های بهتری هستند. خیلی فکر می‌کنند چون دوربین فول فریم گران‌تر است، پس گزینه‌ی بهتری است. بهتر است پولی که قرار است خرج تفاوت قیمت فول فریم و هاف فریم شود، برای لنز خرج شود. فول فریم در یک جا می‌تواند به درد بخورد. آن هم زمانی است که نور کم باشد و مجبور باشیم ایزو را بالا ببریم. در نهایت اگر چنین صحنه‌ای در فیلممان بود و لازم شد از دوربین فول فریم استفاده کنیم، می‌توانیم برای زمان محدودی یک دوربین کرایه کنیم.

محصول مشترک دو کشور ایران و بلغارستان باشد. در واقع ما از جایی از میانه‌ی راه به فیلم ملحق می‌شویم. یعنی ابتدا باید مراحل اولیه‌ای از تولید پیش رفته باشد و سپس در صورتی که ما توجهمان به فیلم جلب شود، درخواست همکاری می‌دهیم. امسال فقط یک کارگاه داک‌مارکت در ایران دارم. هدف ما از برگزاری این داک‌مارکت این است که فیلم‌سازان ایرانی را با بازارهای جهانی آشنا کنیم و بتوانیم کمکی باشیم برای معرفی مستندسازان و فیلم‌های مستند ایرانی در جشنواره‌های جهانی.

● **پیش از این که به جشنواره‌ی حقیقت بیایید، تا چه اندازه درباره این رویداد شناخت داشتید؟ همچنین تا چه اندازه با فیلم‌های ایرانی آشنایی دارید؟**

اطلاعات زیادی درباره‌ی حقیقت نداشتم، ولی میدانستم که رویدادی بزرگ است که هر سال در ایران با مهمانان بسیار برگزار می‌شود. من با سینمای ایران تقریباً آشنایی خوبی دارم. فیلم‌های فیلم‌سازان ایرانی در بلغارستان بسیار مطرح است. هم مستندها و هم فیلم‌های داستانی ایرانی بسیار مورد توجه بلغارستانی‌ها قرار می‌گیرند. به همین دلیل بسیار علاقه داشتم تا به ایران بیایم. در فیلم‌های ایرانی تصاویر جالبی از زندگی ایرانی ارائه می‌شود. این فیلم‌ها از صحنه‌هایی ساده از زندگی روزمره آغاز می‌شوند. فیلم‌های ایرانی تصویر جذابی را از مواجهه‌ی روزمره با مشکلات و اتفاقات به نمایش می‌گذارند که باعث می‌شود فیلم‌هایی چند لایه باشند، دقیقاً مانند ادبیات ایرانی که استعاره‌ی است و می‌توان مفاهیم زیادی را از آن دریافت کرد. شاید بتوان گفت این فیلم‌ها تا حدی فیلسوفانه محسوب می‌شوند.

● **کدام فیلم‌های ایرانی بیشتر توجه شما را جلب کرده و در ذهن شما مانده است؟**

فیلم‌های ایرانی زیادی دیده‌ام ولی این که بتوانم اسم خاصی را بگویم نمی‌توانم. در حال حاضر حضور ذهن ندارم. یک بخش کوچک از جشنواره صوفیا به معرفی کردن فیلم‌ها اختصاص دارد. ما در صوفیا جشنواره‌ای داریم که در ۵ روز برگزار می‌شود. در این جشنواره به مروری بر فیلم‌های ایرانی می‌پردازیم و هر سال چند فیلم را نمایش می‌دهیم. این جشنواره سالانه برگزار می‌شود ولی در تقویم روز یا زمان مشخصی ندارد. ما معمولاً در بیشتر سال‌ها این رویداد را داریم.

● **دلیل اقبال فیلم‌های ایرانی در بلغارستان چیست؟**

به نظر ما و مردم ایران از نظر فرهنگی تشابهات بسیاری داریم. از همین رو برقراری تعاملات فرهنگی بین ما می‌تواند بسیار سودمند باشد. از نظر فرهنگی و سنت‌ها یک پیوند تاریخی قدیمی و سابقه‌دار بین ایران و بلغارستان برقرار است. هر دو کشور پیشینه تاریخی درازی دارند و شباهت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد. همه‌ی این‌ها را اگر کنار هم بگذاریم، متوجه می‌شویم که ما و ایرانی‌ها بهتر است در زمینه فیلم نیز با هم تعامل داشته باشیم. هنرمندان ایرانی به خوبی در صوفیا خود را معرفی کرده‌اند و فیلم‌هایشان دیده شده است. دید مثبتی نسبت به فیلم‌های ایرانی در کشور ما ایجاد شده است.

● **در انتخاب فیلم‌ها برای مرکز مستندسازی بالکان چه معیارهایی را مدنظر قرار می‌دهید؟**

ما بر مستندهای خلاق و فیلم‌هایی که رویکردهای متفاوتی دارند، سرمایه‌گذاری می‌کنیم. فیلم‌ها باید هم از نظر دیدگاه هنری و سینمایی و هم از نظر داستان قابل توجه باشند. همچنین موضوع فیلم بسیار اهمیت دارد. طرح فیلم‌نامه هم از حیث خلاقانه بودن، بسیار حائز اهمیت است. در واقع فیلم باید تمام این فاکتورها را به طور همزمان داشته باشد تا مورد انتخاب واقع شود. در صوفیا چندان به فیلم مستند بها داده نمی‌شود و مخاطب این سینما کم است. در حالی که فیلم‌های داستانی و تخیلی طرفدار زیادی دارند. ما می‌خواهیم از طریق مرکز مستندسازی بالکان، علاقه‌مندی به مستند را زیاد کنیم.



فیلم‌های ایرانی فیلسوفانه هستند

ندا میلانوا از زمینه‌های همکاری بین مستندسازان ایرانی با جنبش مستندسازی بالکان سخن می‌گوید

سمیرانوری

Sanouri1988@gmail.com

هر سال در جشنواره سینما حقیقت مهمانان زیادی از جشنواره‌های مختلف سراسر دنیا حضور پیدا می‌کنند تا ضمن آشنایی با فضای سینمای مستند ایران، راه‌های همکاری‌های متقابل را بررسی کنند. ندا میلانوا از بلغارستان یکی از این مهمانان است. او از طرف مرکز مستندسازی بالکان در این جشنواره حضور دارد.

● **در مورد حضورتان در ایران و همچنین همکاری‌تان با جشنواره سینما حقیقت بگویید.**

من برای نخستین بار به ایران و جشنواره حقیقت آمده‌ام. در واقع از طرف جشنواره‌ی حقیقت به این جا دعوت شده‌ام. آمده‌ام تا بتوانم بین کار خودمان و جشنواره‌ی حقیقت تعاملی برقرار کنم. ما در صوفیا یک جشنواره یا بهتر بگویم یک مرکز آموزشی در زمینه مستند داریم. مرکز ما بسیار مشتاق است تا ارتباطاتی با سینما حقیقت داشته باشد.

● **پس درباره‌ی جشنواره یا مرکز خودتان بیشتر بگویید. کار شما از چه بخش‌هایی تشکیل می‌شود؟**

ما ۲ کارگاه در جشنواره‌مان برگزار می‌کنیم که هر کدام از آن‌ها، شامل ۳ بخش متفاوت است. ابتدا به کارگاه اول پردازیم. نخستین بخش این کارگاه، بی‌دی‌سی نام دارد. بی‌دی‌سی مخفف مرکز مستندسازی بالکان است. در واقع کار این بخش مربوط به نخستین مرحله‌ی مستندسازی است. در این بخش که در شهر صوفیا برگزار می‌گردد، فعالیت‌هایی در زمینه ایده‌پردازی و گسترش ایده انجام می‌شود. بخش دوم کارگاه، در کوزوو و بخش سوم به صورت تعاملی با کشورهای دیگر برگزار می‌شود. این بخش با توجه به ماهیت آن که همکاری و تعامل با دیگر جشنواره‌هاست، ممکن است هر سال در یک جا برگزار شود ولی در بیشتر سال‌ها در آلمان برگزار شده است.

کارگاه دوم نیز مانند کارگاه اول، ۲ بخش دارد. بخش اول این کارگاه که در بوداپست برگزار می‌گردد، به مراحل پس از تولید فیلم می‌پردازد. در واقع این بخش به آماده‌سازی فیلم مربوط می‌شود. تمرکز ما در این بخش بر مرحله‌ی تدوین است. بخش دوم این کارگاه در صوفیا و بخش آخر آن در ساریوو در بوسنی برگزار می‌شود. مرکز مستندسازی بالکان، در طول جشنواره ساریوو که رویداد بسیار بزرگی است، به عنوان اسپانسر اصلی در این جشنواره کشور بوسنی مشغول است.

● **پس اگر درست حدس زده باشیم، در واقع شما برای برگزاری یکی از این کارگاه‌ها به جشنواره‌ی حقیقت آمده‌اید؟**

بله، دقیقاً. ما می‌خواهیم برای کارگاه دوم در این جا فیلم‌هایی را انتخاب کنیم. سینما حقیقت ایران گزینه‌ی مناسبی برای کارگاه ما است. از نظر ما حقیقت جشنواره‌ی بزرگی است و مشتاق به تعامل با آن هستیم. می‌خواهیم تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم. یکی از آن‌ها این است که تصمیم داریم تا با همکاری کارگردانان ایرانی فیلم‌هایی بسازیم که



سینما حقیقت ایران گزینه‌ی مناسبی برای کارگاه ما است.

از نظر ما حقیقت جشنواره‌ی بزرگی است و مشتاق به تعامل با آن هستیم.

می‌خواهیم تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

تعداد محدودی از مستندسازان ایرانی را انتخاب کنیم و در کارگاه تدوین با آن‌ها کار کنیم. ایده‌های بسیاری در سر داریم

بانو عصمت

● کارگردان

محمد حبیبی منصور

● مدت زمان

۸۲ دقیقه

● خلاصه فیلم

فیلم روایت زندگی پر فراز و نشیب بانویی است که از پس ازدواجی عجیب، وارد دنیایی جدید می‌شود و با سختی‌ها و مشکلات پیچیده‌ای رو به رو می‌شود. او حالا پس از ۶۰ سال زندگی در اهواز، به یک قهرمان تبدیل شده است.

جامعه‌ی بدون قهرمان؛
کالبد بدون روح

این فیلم درباره‌ی قهرمانی است که برای مخاطبان از هر قشر و هر صنفی که باشند جذاب است. هدف ما از تولید این فیلم و پرداختن به چنین سوژه‌ای، ایجاد حس امید و معرفی یک قهرمان عادی و دست‌یافتنی از جنس خود مردم است. این قهرمان با ما زندگی می‌کند و شبیه ماست. با قهرمانان اساطیری که مراحل عجیبی را در زندگی می‌گذرانند، فرق دارد. قهرمانان اساطیری با مردم عادی فاصله دارند ولی قهرمان ما یکی از خود مردم است.

در سینمای ما یک ضعف وجود دارد و آن گم شدن قهرمان است. باید توجه کرد که قهرمان ابزار ایجاد امید است. به نظر من در این زمینه باز وضعیت سینمای مستند بهتر است و فیلم‌های مستند سربلندتر هستند. قهرمان سینمای مستند به مخاطب انرژی و انگیزه تزریق می‌کند. اما سینمای داستانی در این زمینه عملکرد ضعیفی دارد. در حالی که جامعه پر از قهرمان است که می‌توانند به فضای فکری و روحی انرژی دهند.

قهرمانان موتورهای محرک فرهنگی جامعه هستند. جامعه بدون چنین انرژی، توانش را از دست می‌دهد. اگر قهرمان را به جامعه معرفی نکنیم، در واقع داریم بخشی از فرهنگ جامعه را از او می‌گیریم. جامعه بدون قهرمان مثل کالبد بدون روح است.

برای قهرمان فیلم ما اتفاقات بسیار وحشتناکی رخ می‌دهد. رخ دادن هر کدام از این حوادث در زندگی یک آدم معمولی به تنهایی، می‌تواند شکست را رقم بزند. ولی قهرمان ما از این شکست‌ها برای خودش یک پل ساخت تا بتواند به مرحله‌ی بعدی برود. او یک بار همه هستی‌اش را از دست می‌دهد و دوباره از صفر آغاز به بازسازی می‌کند. او با حالت مادرانه‌ای که دارد همه چیز را تیمار می‌کند. برای خانواده‌ای یک تکیه‌گاه است. ما زمانی که برای یک کار مستندسازی به اهواز رفته بودیم، بسیار اتفاقی با این خانم آشنا شدیم. تحت تاثیر زندگی او قرار گرفتیم و مجذوب شخصیتش شدیم. نقاط ویژه‌ی زندگی او باعث شد که تصمیم به ساخت مستند بانو عصمت بگیریم. این خانم سال پیش به واسطه فیلم ما معرفی شد و در یک نظرسنجی تلویزیونی به عنوان یکی از پنج قهرمان ملی انتخاب شد.



همه چیز برایم یک شوخی بود

یک گپ کوتاه با عصمت احمدیان، درباره مستندی که بر اساس زندگی‌اش ساخته شده است

ساراشمیرانی

عصمت احمدیان به جشنواره سینما حقیقت آمده تا با همراه عوامل و مخاطبان پای مستند زندگی‌اش بنشیند. مستندی که روایت زندگی پر فراز و نشیب زنی است که مشکلات آن را از پا ننداخته و همچنان پرامید به زندگی ادامه می‌دهد. روایت زندگی او، از زمان حضورش در جبهه و شهادت دو فرزندش شروع می‌شود و به کارهای خیر و عام‌المنفعه‌ای که در اهواز انجام داده ختم می‌شود. شرح جزئیات زندگی روزمره او، باعث شده تا «بانو عصمت» تبدیل به مستندی جذاب برای مخاطب باشد. حالا در شلوغی جشنواره با او یک گپ کوتاه زدیم و از او درباره مستندی که ساخته شده، پرسیدیم.

دادند و گفتند این همان مستندی است که این همه وقت درباره‌اش حرف می‌زدیم و آن را جدی نمی‌گرفتی. بعد که فیلم را دیدم فهمیدم شوخی شوخی همه چیز جدی شده است.

سینما رفتن را هیچ وقت دوست نداشتم
عصمت احمدیان که حالا جشنواره سینما حقیقت، تحت تاثیر آمدن اوست و حسایی دورش شلوغ شده، درباره علاقمندی‌اش به سینما و اینکه حالا تبدیل به چهره معروفی شده می‌گوید: هیچ وقت به سینما و تلویزیون علاقه‌ای نداشتم. دروغ چرا اصلا سینما رفتن را دوست نداشتم. حتی همین الان هم همینطوری ام اما حرف برای گفتن زیاد دارم. برای همین هم وقتی می‌گویند بیا یک برنامه و حرف بزن و از زندگی‌ات بگو مخالفت نمی‌کنم. من خاطرات زیادی دارم که می‌توانم تعریف کنم که هیچ کدامشان هم تکراری نیست. همیشه سعی کردم حرف‌هایم در زندگی دیگران نقشی داشته باشد. برای همین هم به تلویزیون رفتم و بعد قبول کردم تا این مستند ساخته شود. امروز هم اینجا آمدم تا برای اولین بار فیلم را کامل، با مردم ببینم.

موضوع مستند یکباره تغییر کرد

هیچ چیز برایش در زندگی جدی نیست. می‌گوید اگر زندگی جدی بود که نمی‌توانست این همه سال با همه سختی کنار بیاید و زندگی را ادامه دهد. حالا هم که مستندش ساخته شده می‌گوید: «محمد حبیبی قرار بود اول درباره کارهای خیری که در اهواز انجام می‌دادیم مستندی بسازد. اما بعدها وقتی چندباری با هم حرف زدیم و من از روزهای جبهه و اتفاقاتی که برام افتاده گفتم، سوژه‌ای که قرار بود درباره آن فیلم بسازند را رها کرد و گفت می‌خواهد داستان زندگی من را تبدیل به مستند کند. واقعیت این است که بچه‌ها دو سال تمام گفتند که می‌خواهیم مستندت را بسازیم ولی من جدی نگرفتم. می‌آمدند خانه ما، حرف می‌زدیم و بخشی از خانواده ما شده بودند اما باز فکر می‌کردم زندگی ام آنقدر مهم نیست که بخوانند برایش وقت بگذارند و براساس آن فیلمی بسازند. با این حال اما همیشه در خانه ام به روی بچه باز بود و جلوی چشم زندگی عادی‌ام را داشتم. حتی یکبار جلوی آن‌ها با حاج آقا دعوا کردم اما فکر نمی‌کردم روزی همه این تبدیل به فیلم شود. آخر بعد از دو سال فیلم را نشانم



همسر و بستگان شهید تهرانی مقدم از مهمانان ویژه روز اول بودند. آنها برای دیدن مستند خط نورانی دعوت شده بودند



گپ و گفت مدیران مرکز
گسترش سینمای مستند
و تجربی در لحظه‌ای
کوتاه از فراغت

از دحام، اما از دحام خوشایند و کنترل شده



اکثر برنامه‌های جشنواره امکان پخش زنده
دارند. گروه فنی این کار را می‌بینید



بازار مصاحبه و گفت‌وگوهای تلویزیونی و اینترنتی
داغ داغ است



مدیر کل امور بانوان شهرداری تهران برای تماشای
قصه دختران فروغ آمده بود



گده‌های دوستانه و مفید
در حاشیه جشنواره

other way than to make the film about children, so "In the Color of Reality" changed to "Copper Notes of A Dream".

The unpredicted change must be hard...also working with children on that atmosphere...

We had many problems there; sudden change of the subject in one hand and on the other hand, presence of security force who was not interested in our relationship with children. However, we started to test children, working and getting familiar with camera, and then we could enter their homes and started shooting.

Do you think the story of these children could be the subject of a full-length documentary?

The film is not based on one story; this is the natural life of children who lost their father, sister, and their brothers, and while they have their childish dreams but they must make living for their homes. In such conditions, they were looking for a situation for having a concert to return life and happiness to their area.

You have made documentaries with different subjects, but your recent works are about wars and their stories. Why?

I think a filmmaker basically moves toward humanistic dramas or dramas which are bitter. We live in a region that wars mostly happen around us. The effects of wars on women and specially children are disastrous. In Iraq, Afghanistan and Syria there are lots of pain and problems that we never seen anywhere else, so, as a filmmaker, I'm drawn to deeper pains. Before I worked about wars, I worked on subjects like ecology, immigrants, or handicaps, but during these two years, I saw regions that I prefer to choose the deeper pain, so, more audience can communicate with the subject in the world.

"Women with Gunpowder Earrings" could win the grand prize of "Signs Du Night" from Paris. Do you think people around the world can communicate with the painful subject?

After FIFF, the first screening of "Copper Notes of A Dream" was in Swiss. I saw audience's reaction which was full of pain and sorrow. They felt empathy with the characters of the film. They wanted to send money for them. When I see these kinds of reactions, I became more determined to narrate these

Home Games

Director: Alisa Kovalenko
Country: Ukraine
Year: 2018
Time Duration: 77 min.

Review

A beloved documentary, especially when the sweet coach of the girls soccer team shouts, "Girls, cowards can't play soccer." For many audience, it may be reminiscent of "Bend It Like Beckham", but the fact is that the documentary has a more powerful and bold image.

Importance of the Subject

In many poor countries from the Balkans to South America, football is not just a game. It's a way to feel free of difficulties and miseries. However, while the film's protagonist refugees to football, she still has some difficult moments in her life. .

About Director:

Alicia Kovalenko began documentary-making since 2012 and has made five documentaries. Most of them are portrait documentaries and Kovalenko pursuing her character with her camera. She participated in IDFA with "Home Games".

About Film

The documentary is about a talented football player. The girl she dreams of joining the national team, but playing soccer is not her only challenge, especially now that her mother is dead and she should live with her two younger sisters and a blind grandmother.

Fellini Never-Ending(2019)
Nominations: Venezia Classici
Award for Best Documentary on
Cinema

Never-Ending Stories of A Master



portrait

Federico Fellini is one of the most favorite filmmakers for Iranian cinephiles. Some of his films like "La Strada", "La Dolce Vita", "8 1/2" and "Amarcord" are the samples of transcendental cinema for them. In this edition of Cinema-Vérité, in portrait section, a documentary will be screened about him. The film has been made by his assistant and describes the hidden angles of his life. The first screening of the film will be today in movie hall 3 in Charsoo Cineplex.

Eugenio Cappuccio was Fellini's formal assistant director on "Ginger and Fred" in 1985. Then he always followed "The Maestro" in several different projects. This film documentary is a biographical journey into Federico Fellini's magical and enormous cinema and world, from the start of his career until the end of his life.

Director Eugenio Cappuccio (To Sleep Next to Her) graduated from the Centro Sperimentale di Cinematografia and, thanks to his acquaintance with the Fellini family in Rimini, immediately got a job as an assistant on "Ginger and Fred", the 1986 film starring Marcello Mastroianni and Fellini's wife Giulietta Masina. His voiceover accompanies much of the doc with personal comments and introductions to Fellini's close collaborators and actors like Andrea De Carlo, Sergio Rubini, Vincenzo Mollica, Antonello Geleng and graphic artist Milo Manara. The result is a hodgepodge of people, moments, films and situations that together create a mosaic of the man.

۱۴

سینما
چوندر

۱۹
آذر
۱۳۹۸

۱۳

جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران

My Criterion for Making A Film Is The Amount of Pain and Crisis

An Interview with Reza Farahmand Who Narrates the Pain of Palestinian Children In War-Torn Areas



●●● Hanieh Darvish

Life goes on, even in an abundant area that three women are growing up their children; “Copper Notes of A Dream” is about children who live in Yarmouk, Syria, which is the biggest living area of Palestinians but it’s ruined during Syria’s war and they lost their homes and families. They live and work in such conditions to return life to their lives. Previously, Reza Farahmand made “Women with Gunpowder Earrings” that narrates the story of women who have been deceived by ISIS and they were victims of the group. This time, he went for women in his new film but children became the main subject.

How did the idea of the documentary which was named “In the Color of Reality” shape?

I went to Damascus for a field research and I saw Yarmouk. Yarmouk is a camp for Palestinians that has been totally ruined after ISIS’s war. It is big and it is the main area for Palestinians’ living but the big area is completely abundant now unless three women who was living there with their children. The kids’ job was to collect and sell the copper wires they found at home every day to make a living.

In fact, they were households and provided money for living. It was supposed to make my documentary about the three sisters who saw war closely. I came back to Iran, worked on the idea and then went to Damascus with the crew but at there, translators told me that women are not eager to be seen at the film, so there was no

BOTTOMS UP

Director: Brunella Fili
Country: Italy
Year: 2018
Time Duration: 75 min

Review

Of the less-seen films that have been less talked about, the truth is that, Brunella Fili could bring hope for his audience in a not sentimental way but in sometimes even sad and sometimes humorous way. . Importance of the Subject Naturally, health is an issue that matters; for patients more than others, but the film is going to show that health is not supposed to be all the pleasures of life. Despite of the illnesses, people can continue their normal lives. .

About Director:

He is director also an artist working in fine arts. He also works as a producer and has participated in directing and screenwriting workshops like masters’ ones such as Abbas Kiarostami and Giuseppe Tornatore. “Bottoms Up” is his second documentary. He has M.A degree in cinema directing from the University of Bologna.

About Film

Can anyone be happy despite having a serious illness? Nick Defino, who is a famous host of food programs asks the question himself after found out that he has cancer and the disease becomes a challenge for him.

Una Primavera

Director: Valentina Primavera
Country: Spain
Year: 2018
Time Duration: 80 min.

Review

A clear, somewhat poignant, and even violent film about returning to patriarchal roots that profoundly depicts today’s Italian society. The angle of the director’s personal gaze and her intimate relationship with her subject make it easy to express her social criticism in her work.

About Film:

After the latest domestic violence against Fiorella, the mother of three children, she decides to leave her home, her life, and her husband and sets herself free after forty years of marriage. Her daughter is portraying her difficult path with a camera.

About Director:

Valentina Primavera has made her first documentary about her family. However, she was as much brave and tasteful that every audience can have hopes to see her bright future in documentary cinema. The film was screened at Leipzig Film Festival.

Cinema

VÉRITÉ

NO.2
10th DEC
2019

IRAN International

Documentary Film Festival



picture of day

Cinema Verite Hosts the World

With beginning of the 13th Iran Documentary Film Festival-Cinema-Verite, 40 international guests will join the festival.

10 festival directors like Zlatina Rousseva (Director of Belgium Millennium Documentary Festival), Gunny Hyoung (Director of Korea Documentary Festival), Italo Spinelli (Director of Rome Cinemateque from Italy), Artur Vardikyan (Director of Apricot Tree Documentary Festival from Armenia), Veton Norkollari (Director of Kosovo Documentary Festival), Csilla Kato (Planner of Astra Documentary Festival from Romania), Mariam Chutkerashvil (Planner of Georgia Documentary Festival) will be present in this edition.

Moreover, the representatives of other film festival will come Tehran for the festival like Dumitru Budrala (Astra Documentary Festival from Romania), Hatsoyo Kato (Japan Pamagata Festival), Karol Piekarczyk (Planner and Distributer from Docs Iignes Gravini Documentary Festival of Poland), Daner Omer (Iraq Suleymanyah Festival).

Documentary producers and buyers are also some of the guests of the festivals like Meng Xie (producer and documentary buyer from Radiance Films Company from China), Hugo Carmona (Producer from Peru), Christian Falch (Producer from Norway), Bram Crols (Producer from Belgium), Bouchaib Elmessaoudi (Filmmaker and producer from Morocco), Odile Allard (Producer from France).

Eric Spitzer Marlyn (Austrian Sound Recorder), Neda Milanova (from Belgrade documentary center from Bulgaria), Ove Rishoj Jehnsen (Manager of Paradel Pictures production company from Denmark), Peter Gottschalk (Arte Channel from France), Maxim Jennes, Dimitri Petrovic, Hussein Rasim, Juliet and Ellea Lacroix (Filmmakers from Belgium), Lars Safstrom (from Sweden Television), Ken Ichi Imamura (from Japan), Andre Hormann (Filmmaker from Germany), Farshid Akhlaghi (From Australia), Abuzar Amini (Filmmaker from India), are some other international guests of 13th Cinema-Verite.

Iran's Cinema-Verite Festival Is Well-Known in the World

Mahmoud Sadeghloo Givi

Shirin Naderi is the manager of international affairs of Farabi Cinematic Foundation; she is the tireless woman of Iranian cinema who doesn't limit her works to festivals' times, but she always tries to develop international communications of Iranian documentary cinema. With the help of her colleagues, she promoted a significant percentage of the international image of Cinema-Verite Festival in these years. She talked to the daily bulletin of the festival about her activities in this edition of the festival.

The number of countries that have films in this edition of the festival is huge. How could you attract films from so many countries and expand the festival internationally?

The call for international section was released on April in film market of FIFF. We have several platforms for receiving films. One of this ways is withoutBox website, also Vimeo, and Cinando. We also invited from all who had films during all these years in the festival to send their films. We've watched the international film festivals, get new films from them then we watch them, we did it from the best film distributors of the world and having good communications with the documentary distributors worldwide. We received 6 thousands films. Cinema-Verite has a page on FilmFreeWay

and we update it annually.

How much Cinema-Verite Festival could get close to universal scales and standards and improve its level?

Without any exaggeration, I should say that when authentic producers of the world are intended to send their films to our festival it is the sign of its credit. Several years ago, when I was in Cannes Film Festival's film market, in Doc Corner, Mr. Tom Powerz introduced Cinema-Verite as well as he was introducing his festival. He was one of the involved in Toronto and New York film festivals that last year was our guest. Maybe Cinema-Verite quantitatively is not a big festival, but with a glance to our international guests, you will see the high level of the festival.

You talked about the limited budget of the festival. Can you tell me are big documentary film festivals like Hot Docs supported by governments or not?

Mostly, municipalities help festivals very much because it helps their cities to be prospered. For example, people who live in Cannes, believe that they earn all the money they want in two weeks of the festival and from the festival's guests in fact. Municipalities help film festivals worldwide, but the point is that they do not have ministry of culture that can support them by governmental budget.

کشف جهان از طریق پرده‌ی سینما

پرونده‌ای درباره‌ی فیلم‌های مهمی که در بخش بین‌الملل اکران می‌شوند



سوفیانصر الهی

Sofia850@gmail.com

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های هر سال جشنواره‌ی سینما حقیقت مربوط به نمایش فیلم‌های بین‌الملل است. بخشی که خودش شامل نمایش‌های ویژه، مرور بر آثار یک جشنواره‌ی مستند، مرور مستندهای یک کشور و مستندهای پرتنه می‌شود و تنوع زیادی دارد. آن‌هایی که در طول همه‌ی دوازده دوره‌ی قبلی پیگیر جشنواره‌ی سینما حقیقت بوده‌اند احتمالاً موفق شده‌اند تعدادی از بهترین مستندهای خارجی را روی پرده‌ی سینما ببینند. از آثار کریس مارکر بگیرد تا مستندهای ریچارد لیکاک مرحوم شاگرد رابرت فلاهرتی که خودش هم مهمان جشنواره‌ی سینما حقیقت بود. بخشی از وظیفه‌ی جشنواره‌ها و به خصوص جشنواره‌های مستند فراهم کردن محملی برای گفت‌وگو میان تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون است. مستندها دغدغه‌ی بهتر شدن جهان برای همه‌ی جهانیان را دارند و طبعاً چنین چیزی میسر نمی‌شود مگر با درک فرهنگ و تمدن بقیه‌ی کشورها و توان گفت‌وگو کردن که در جشنواره از طریق دیدن فیلم‌هایی از کشورهای مختلف این اتفاق می‌افتد. امسال هم بخش بین‌الملل سینما حقیقت پر بار است و فیلم‌های زیادی هستند که اسم‌شان را شنیده‌اید و می‌توانید به دیدن‌شان بنشینید و آثاری دیگر که می‌توانند کشف امسال بخش بین‌الملل جشنواره‌ی سینما حقیقت باشند. یکی از دلایل رونق بخش بین‌الملل تنوعی است

که همیشه در انتخاب فیلم‌ها وجود دارد. امسال در بخش پرتنه که در پرونده‌ای ویژه‌ی مستندهای پرتنه به تفصیل درباره‌شان خواهیم نوشت، مستندهای جذابی درباره‌ی چهره‌های سینمایی از پیترو سلرز گرفته تا فدریکو فلینی به نمایش درمی‌آید. به جز آن در بخش مسابقه‌ی بین‌الملل شاهد رقابت فیلم‌ها در سه گروه فیلم‌های بلند (مستندهای بالای ۷۰ دقیقه)، نیمه‌بلند (مستندهای بالای ۴۰ دقیقه و کمتر از ۷۰ دقیقه) و بخش کوتاه (مستندهای کمتر از ۴۰ دقیقه) هستیم. امسال کشور آلمان با بیشترین فیلم در بخش بین‌الملل حضور پرنرنگی دارد. به جز آن از پنج قاره مستندهای جذابی در سینما حقیقت به نمایش درمی‌آیند: از ترکیه و مصر و اسپانیا تا لهستان و فرانسه و آمریکا. سوژه‌ها هم متنوع است. از فیلمی درباره‌ی یک کارخانه تا شهر جنگ‌زده، از مستندی درباره‌ی حیات وحش تا مستندهای اجتماعی. امسال حتی می‌شود گفت به نسبت سال‌های گذشته موضوعات بخش بین‌الملل گستره‌ی وسیع‌تری را هم دربرمی‌گیرد چون در چند سال گذشته به طرز قابل توجهی شاهد مستندهای جنگی در این بخش بودیم. بخش نمایش‌های ویژه‌ی سینما حقیقت امسال میزبان چند فیلم واقعا هیجان‌انگیز است. احتمالاً مهم‌ترین‌شان «سرزمین غسل» است. مستندی محصول مقدونیه که از لحاظ سینمایی برایمان کشور ناشناخته‌ای است اما با این مستند تحسین شده امسال توانسته نگاه‌ها را به خودش جلب کند. مستندی که از منتقدان امتیاز ۸۶٪ از ۱۰۰ در سایت متاکریتیک دریافت

کرده است. مستندهای این بخش همگی در جشنواره‌های تراز اول مستند به نمایش درآمده‌اند و بیشترشان جوایزی هم دریافت کرده‌اند. امسال سینمای مستند منطقه‌ی بالکان زیر ذره‌بین سینما حقیقت قرار گرفته است. منطقه‌ای به لحاظ سیاسی و جغرافیایی بسیار مهم و البته پرتنش که به خصوص می‌توانید مستندهای سیاسی جذابی در این بخش ببینید. از «نامیرا» تا «پدر جاسوس من» مستندهایی از بالکان هستند که با نگاه‌هایی تند و تیز شرایط سیاسی کشورهای بالکان را به نمایش گذاشته‌اند. در بخش آینده‌ی یک جشنواره این بار قرعه به نام جشنواره‌ی میلینیوم بلژیک افتاده است. مستندهایی که در یکی دو سال گذشته در این جشنواره مورد توجه قرار گرفته‌اند امسال روی پرده‌ی سینما حقیقت می‌روند. خود مستندهای این بخش از قاره‌های مختلف هستند و تنوع زیادی در سوژه‌ها و رویکردهایشان دیده می‌شود. طبعاً انتخاب چند فیلم برای این پرونده از میان این همه اثر کار ساده‌ای نبود. با این حال سعی کردیم به جز بخش نمایش‌های ویژه که آثار بسیار مهم مستند هستند و باید معرفی می‌شدند از بقیه‌ی بخش‌ها هم فیلم‌هایی را معرفی کنیم تا حال و هوای امسال بخش بین‌الملل جشنواره دست‌تان بیاید. با این حال تعداد فیلم‌های دیدنی بخش بین‌الملل بیش از این‌هاست و امیدواریم در طول جشنواره در پوشش کارگاه‌ها و گفت‌وگو با مهمان‌های خارجی فرصت بیشتر معرفی این مستندها را داشته باشیم.

تماشایی های این دوره

از میان فیلم های خارجی که امسال در جشنواره ی سینما حقیقت به نمایش در می آیند ده فیلم را از بخش ویژه و بخش مسابقه ی بین الملل انتخاب کردیم

کنیم. انتخاب های بیشتری در بخش چشم انداز سینمای مستند بالکان و جشنواره ی میلی نیوم بلژیک هم داریم که در جشنواره به دیدن شان بروید.

درباره فیلم

داستان آخرین زن شکارچی زنبور است که هنوز در اروپا زندگی می کند. بعد از این که عشایر زنبوردار به او هجوم می آورند و زمین و زندگی اش را مورد تهدید قرار می دهند، او باید زنبورهایش را نجات بدهد و تعادل طبیعی را به سرزمین عسل بازگرداند. او در دهکده ای دور افتاده در منطقه ای در بالکان زندگی می کند. جایی که هنوز امکانات ابتدایی مانند برق یا آب لوله کشی هم ندارد.

درباره کارگردان

تامارا کوتفسکا از میانه ی قرن بیست و یکم با ساختن فیلم های کوتاه کارش را شروع کرد. اولین فیلمی که هم فیلمنامه اش را نوشت و هم کارگردانی اش کرد «آغوش های گشوده» محصول ۲۰۱۵ بود. سال ۲۰۱۹ در کنار مستند «سرزمین عسل» که اولین مستندش محسوب می شود دو فیلم کوتاه دیگر هم ساخته است. با همین کارنامه ی کوتاه چندین جایزه کسب کرده است که البته بیشترش مربوط به همین مستند است و چند جایزه هم برای فیلم کوتاه «بازی ها». در کارنامه ی لوپومیر استغانوو نام دو فیلم «دریاچه ی سیب» و «همسایه های پر سر و صدا» دیده می شود.

که مستندهایی درباره ی وضعیت کشاورزی جنگ زده بیشترین سهم را داشتند امسال حضور مستندهایی با رنگ و لعاب سیاسی پررنگ تر است. از بخش مسابقه فقط دو فیلم را انتخاب

- کارگردان: لوپومیر استغانوو، تامارا کوتفسکا
- محصول: مقدونیه
- سال نمایش: ۲۰۱۹
- مدت زمان: یک ساعت و ۲۵ دقیقه

امسال تعداد مستندهایی که روی زندگی مردم عادی متمرکز است بیشتر شده. مهم ترین شان هم مستند «سرزمین عسل» که حتی شانس حضور در اسکار را هم دارد. بر خلاف سال های گذشته

سرزمین عسل

HONEYLAND

اهمیت موضوع

مستندهای انسان شناسی از همان ابتدا گونه ی مهمی از مستند بودند. اما در سال های اخیر و در مستندهایی مثل «سرزمین عسل» شیوه ی پرداخت و زاویه ی دید به این مستندها کاملاً تغییر پیدا کرده. این فیلمی است که از زندگی در یک روستای دور افتاده استفاده می کند تا چشم انداز جدیدی در زندگی به شما نشان بدهد. تجربیات شخصیت اصلی فیلم حتی برای کسانی که کیلومترها دور تر از اوزندگی می کنند معنا و مفهوم دارد. مستند «سرزمین عسل» را هم می توان به عنوان یک مستند انسان شناسانه در نظر گرفت و هم مستندی در باب طبیعت و رابطه ی انسان با آن. با دیدن این مستند در هر دو زمینه می توانید مطالعه کنید.



- کارگردان: لخ کووالسکی
- محصول: فرانسه
- سال نمایش: ۲۰۱۹
- مدت زمان: یک ساعت و ۴۹ دقیقه

با ضربه تکه تکه اش کن

BLOW IT TO BITS

گزیده نقد

اسکرین دیلی نوشت: این فیلم مستندی است که تلاش کارگران یک کارخانه ی ساخت قطعات ماشین آلات در فرانسه را به تصویر می کشد وقتی شغل شان در معرض خطر قرار دارد. به علاوه تلاش می کند تا از سینما به عنوان فرمی از فعالیت در این مبارزه استفاده کند. تکنیک های مشاهده گر خاموش بودن برای ثبت تصاویر در این هفت ماه توسط کووالسکی قلب هسته ی کارگران را دنبال کرده که تهدید می کنند کارخانه را به آتش خواهند کشید. در همین حین کارگردان اندیشه های خودش را هم در موقعیت های گوناگون با استفاده از نریشن به فیلم اضافه می کند. این فیلم سوژه ای به شدت تفکربرانگیز و البته پرتنش و احساساتی دارد.



گزیده نقد

یک جور کندی و بی تکلفی در این مستند انسان شناسانه به چشم می خورد. این فیلمی آرام و بدون قضاوت است که محتوایش به خاطر جغرافیا شکوه و جلال پیدا می کند و کاراکترش در تنهایی لذت می برد. به همین دلیل ریتم کند روایت، کشش پیدا می کند و ساختار طبیعت را به صورت کم کم به مخاطبش تزریق می کند. زمانی که موفق بشود فیلم را با آغوش باز بپذیرد، مسحورش می شود. فیلمی دوست داشتنی است که با قلب ساخته شده. دقایق ابتدایی فیلم مبهوت کننده هستند. دقایقی با شکوع و غریب و سرشار از زیبایی انسان و طبیعت. در این دقایق آن قدر شکوه روستایی می بینید که احساس می کنید یک کارگردان هنری آن را طراحی کرده است.

درباره فیلم

فیلم «با ضربه تکه تکه اش کن» که امسال در بخش دو هفته ی کارگردانان کن به نمایش درآمد جایزه ی فیلمنامه را هم گرفت، روایت کارگران کارخانه ی GM&S در فرانسه است. زمانی که کارخانه در شرف بسته شدن قرار می گیرد کارگران دست به شورش می زنند. این شورش طبقه ی کارگری توجه رسانه ها را هم جلب کرد و کم کم ابعاد بزرگی پیدا کرد. خود کارگردان توصیف جذابی از شورش کارگران دارد. او می گوید: تلفیقی از اک اند رول و بلوز رمز یک شورش موفق است.

درباره کارگردان

لخ کووالسکی که علاوه بر کارگردانی نوشتن فیلمنامه و نریشن «با ضربه تکه تکه اش کن» را هم بر عهده داشته است، اولین فیلمش را در مقام کارگردان اواسط دهه ی هفتاد جلوی دوربین برد و بعد از آن شروع به مستندسازی کرد. از سال ۲۰۰۱ فیلمبرداری را هم شروع کرد. بیشتر تصویربرداری پروژه های خودش بوده اما مستندهای دیگری هم هستند که فیلمبرداری شان را بر عهده داشته است. کار تدوین چند تا از مستندها را هم خودش انجام داده است و در صورت لزوم می تواند ارتش یک نفره باشد. در کارنامه اش چهار جایزه و چهار نامزدی به چشم می خورد.

اهمیت موضوع

موضوع بیکاری در اروپا سال هاست که تبدیل به یک بحران بزرگ شده است. فرانسه جزو کشورهایی است که در طول سال های اخیر با این موضوع زیاد دست و پنجه نرم کرده و شاهد اعتصابات کارگری زیادی هم بوده است. فیلم کووالسکی دست روی چنین سوژه ی بحث برانگیزی می گذارد که ناگزیر انتقادهایی به وضعیت سیاسی هم دارد. کارگردان بارها و بارها به وضعیت نامناسب کارگران اشاره می کند و در پایان فیلم دیگر همه ی مخاطبان در با حس و حالی مشابه نسبت به آن ها احساس همدردی دارند. این فیلم مطالعه ای جزئی تکراری تعارض های جامعه ی کارگری است و تأثیری که در از مدت روی محیط اطراف شان می گذارند.

تشییع جنازه رسمی

STATE FUNERAL

- کارگردان: سرگئی لوزنیتسا
- محصول: هلند، لیتوانی
- سال نمایش: ۲۰۱۹
- مدت زمان: دو ساعت و ۱۵ دقیقه

درباره فیلم

معمای شخصیتی که تبدیل به یک شمایل شد یعنی جوزف استالین، رهبر حزب کمونیست و اتحاد جماهیر شوروی را شاید بشود با رمزگشایی از مراسم تدفینش در ماه مارس ۱۹۵۳ حل کرد. مراسمی که در حد غول آسایی با جمعیت زیاد برگزار شد.

درباره کارگردان

این کارگردان اوکراینی متولد سال ۱۹۶۴ است. زمانی که هنوز اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت، فیلمسازی را با ساخت مستندهای کوتاه از اواسط دهه‌ی نود شروع کرد. تاکنون از جشنواره‌های معتبری مثل کن برای فیلم‌هایش برنده‌ی جوایز گوناگون شده است.



اهمیت موضوع

این فیلم سوالاتی را مطرح می‌کند که تا به امروز دست کم گرفته شده‌اند اما به شدت اهمیت دارند. این که چه طور شمایل کاراکترهای اقتدارطلب یعنی استالین توانست وحشت را در دل مردم القا کند. فیلم هم از تصاویر آرشیوی سیاه و سفید و هم رنگی استفاده کرده است.

گزیده نقد

کارگردان به شیوه‌ی پیچیده‌ای تصاویر آرشیوی را در سطح قرار داده و در زیر آن‌ها پیچیدگی‌های جامعه‌ی معاصر روسیه را نمایش می‌دهد. این فیلم یک اثر حماسی است. در حقیقت در این تصاویر شاهد یک مقاله‌ی پژوهشی درباره‌ی مکانیزم توتالیترسیم است که چه طور اسطوره‌سازی می‌کند.

- کارگردان: ارجون تالوار، بینیا تامسکین
- محصول: آلمان، سوئیس
- سال نمایش: ۲۰۱۸
- مدت زمان: یک ساعت و ۲۰ دقیقه

الاغی به نام جرونیمو

A DONKEY CALLED GERONIMO

درباره فیلم

گروهی از دریانوردان روی جزیره‌ی کوچکی در دریای بالتیک زندگی می‌کنند. تا زمانی که اجتماعشان از هم فرو می‌پاشد. آن‌ها با قلبی شکسته به سرزمینی برمی‌گردند که می‌خواستند از آن فرار کنند. آن‌ها در آرماتشهرشان همه چیز داشتند.

درباره کارگردان

در کارنامه‌ی ارجون تالوار پیش از این مستند دو مستند دیگر به چشم می‌خورد که هر دو محصول درباره فیلم ۲۰۱۵ هستند. اما این اولین مستند تامسکین است. هر دوی آن‌ها با این مستند به جشنواره‌های معتبری مثل لایپزیگ و ویزبون دورتل رفته‌اند.

اهمیت موضوع

این مستند شاعرانه به موضوع آرماتشهر می‌پردازد. این که چه طور در ذهن انسان‌ها آرماتشهرها ویران می‌شوند و این ماجرا چه تاثیر مهیبی روی روحیه‌شان می‌گذارد. به علاوه آدم‌هایی در مستند تصویر شده‌اند که احتمالاً کمتر از آن‌ها دیده‌اید و شنیده‌اید.

گزیده نقد

فیلم با حسی غمناک و افسرده درون مخاطب نفوذ می‌کند. «الاغی به نام جرونیمو» ماهرانه با درک تماشاگر از واقعیت به عنوان یک امر مجرد و تغییرناپذیر بازی می‌کند. در دنیای اسرارآمیزی که دو کارگردان فیلم خلق کرده‌اند واقعیت چیزی چندگانه است.



درباره فیلم

آیا کسی علیرغم این که بیماری سختی دارد می‌تواند خوشحال باشد؟ نیک دفتنو که مجری مشهور برنامه‌های مربوط به غذاست این سوال را از خودش می‌پرسد. بعد از این که متوجه می‌شود سرطان دارد و این بیماری برایش چالشی می‌شود.

درباره کارگردان

او کارگردان و هنرمند حوزه‌ی هنرهای تجسمی است. به عنوان تهیه‌کننده هم کار می‌کند و در کارگاه‌های کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی بزرگان سینما مثل عباس کیارستمی و جوزپه تورناتوره شرکت کرده است. «به سلامتی» دومین مستند اوست. ارشد کارگردانی سینما از دانشگاه بولونیا دارد.

- کارگردان: برونلا فیلی
- محصول: ایتالیا
- سال نمایش: ۲۰۱۸
- مدت زمان: یک ساعت و ۱۵ دقیقه

به سلامتی

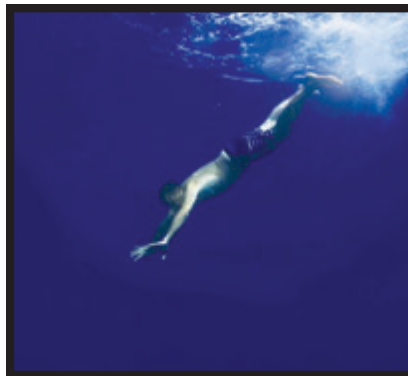
BOTTOMS UP

اهمیت موضوع

طبعاً برای همه سلامتی موضوعی است که اهمیت دارد. برای بیماران بیشتر از بقیه. اما فیلم قرار است نشان بدهد که حتی سلامتی هم قرار نیست همه‌ی دلخوشی زندگی باشد. علیرغم بیماری‌ها آدم‌ها می‌توانند زندگی طبیعی خودشان را پی بگیرند.

گزیده نقد

از آن فیلم‌های کمتر دیده شده‌ای که کمتر هم درباره‌اش نوشته‌اند اما واقعیت این است که برونلا فیلی موفق می‌شود در این فیلم امید را به شیوه‌ای نه سانتی‌مانتال که گاهی حتی غمناک و گاهی شوخ‌طبعانه به مخاطبش ارائه بدهد.



- کارگردان: خاویر کور کوئرا
- محصول: اسپانیا
- سال نمایش: ۲۰۱۹
- مدت زمان: یک ساعت و ۲۸ دقیقه

سفر خاویر ارو

THE JOURNEY OF JAVIER HERAUD

اهمیت موضوع

خاویر ارو یکی از مهم‌ترین شاعران آمریکای لاتین است. این شاعر پرویی یک شورشی تمام عیار بود. سال ۱۹۶۳ او که ۲۱ ساله بود سردسته‌ی گروهی شد که به جمع‌آوری سلاح پرداختند و پروی جنوبی رفتند. آن‌ها دنبال لوازم دارویی بودند.

گزیده نقد

خاویر کور کوئرای فیلمساز همان نگاه عمیق و غمناکی را به پدرش، شاعر بزرگ آرتورو کور کوئرا دارد که خاطره‌ی دوست پدرش خاویر ارو در او زنده می‌کند. این فیلم روایی یک شورشی است. این فیلمی شاعرانه درباره‌ی شاعری است که کودکی کارگردان با قصه‌هایی درباره‌ی او سپری شده.



درباره فیلم

نوه‌ی برادر خاویر ارو صندوقچه‌ای را باز می‌کند که پر از خاطرات است و از میان این خاطرات قصه‌ای را برای روایت پیدا می‌کند. عموی بزرگ او که شاعر و مبارز چریک بوده در سن ۲۱ سالگی کشته شده است.

درباره کارگردان

خاویر کور کوئرا خودش فرزند یک شاعر بزرگ دیگر آمریکای لاتین است. پدر او از دوستان صمیمی خاویر ارو بوده که این مستند درباره‌ی اوست. او از سال ۲۰۰۰ مستندسازی را شروع کرده و «سفر خاویر ارو» چهارمین مستند او محسوب می‌شود.



خانواده‌ی پریمورا Una Primavera

کارگردان: والنیتینا پریمورا
محصول: اسپانیا
سال نمایش: ۲۰۱۸
مدت زمان: یک ساعت و ۲۰ دقیقه



گزیده نقد

فیلمی شفاف و تا حدی گزنده و حتی خشن درباره‌ی بازگشتن به ریشه‌های مردسالاری که به شیوه‌ای عمیق جامعه‌ی ایتالیایی امروزی را به تصویر می‌کشد. زاویه‌ی نگاه شخصی کارگردان و رابطه‌ی صمیمانه‌ی او با سوژه‌اش باعث شده بتواند به راحتی نقد اجتماعی‌اش را هم بیان کند.

اهمیت موضوع

این در حقیقت یک فیلم شخصی است که ابعادی فراتر از یک واقعه‌ی شخصی پیدا می‌کند و موفق می‌شود به ساختارهای مردسالارانه در جامعه‌ی ایتالیا نقد وارد کند. خشونت خانگی در اروپا هنوز هم یک مسأله‌ی جدی به شمار می‌رود.

درباره فیلم

پس از آخرین خشونت خانوادگی که علیه فیورا صورت می‌گیرد او که مادر سه فرزند است تصمیم می‌گیرد تا خانه، زندگی و شوهرش را ترک کرده و پس از ۴۰ سال زندگی زناشویی به سمت آزادی برود. دخترش با دوربینی مسیر سخت او را تصویر می‌کند.

درباره کارگردان

والنیتینا پریمورا اولین مستندش را درباره‌ش خانواده‌اش ساخته است. با این حال آن قدر در ساخت این فیلم از خودش جسارت و سلیقه به خرج داده که می‌شود امید داشت آینده‌ی درخشانی در مستندسازی داشته باشد. فیلم در جشنواره‌ی لایپزیگ به نمایش درآمد.

درباره فیلم

فیلم درباره‌ی یک بازیکن با استعداد فوتبال است. دختری که آرزویش این است به تیم ملی راه پیدا کند. اما بازی فوتبال تنها چالش او نیست. به خصوص که حالا مادرش مرده و او مانده و دو خواهر کوچکترش و مادر بزرگی نابینا.

بازی‌های خانگی Home games

کارگردان: آلیزا کوالنکو
محصول: اوکراین
سال نمایش: ۲۰۱۸
مدت زمان: ۷۷ دقیقه



گزیده نقد

مستندی دوست‌داشتنی به خصوص وقتی مربی دلنشین تیم فوتبال دختران فریاد می‌زند: «دخترها، ترسوها نمی‌توانند فوتبال بازی کنند.» شاید برای خیلی‌ها یادآور فیلم «مثل بکهام سانتور کن» باشد اما واقعیت این جاست که این مستند کارگردانی قدرتمند و تصویر جسورانه‌تری دارد.

اهمیت موضوع

در بسیار از کشورهای فقیر از بالکان گرفته تا آمریکای جنوبی، فوتبال فقط یک بازی نیست. مسیری است برای این که سختی‌ها و بدبختی‌ها را پشت سر بگذارید. با این حال قهرمان این فیلم هر چند به فوتبال پناه می‌برد اما باز هم دوره‌های سختی در زندگی‌اش وجود دارد.

درباره کارگردان

آلیزا کوالنکو از سال ۲۰۱۲ مستندسازی را شروع کرد و تا امروز پنج مستند ساخته که بیشتر آن‌ها در حوزه‌ی مستندهای پرتله هستند و کوالنکو با دوربین‌اش قهرمان فیلمش را دنبال می‌کند. او با مستند «بازی‌های خانگی» در فستیوال ایدفا شرکت کرد.

بانوی اول

THE KING MAKER

کارگردان: لارن گرینفیلد
محصول: آمریکا
سال نمایش: ۲۰۱۹
مدت زمان: یک ساعت و ۴۱ دقیقه



گزیده نقد

نامزد بهترین فیلم در جشنواره‌های لندن و استکهلم تصویری چشم‌گین از فساد و دولت نمایش می‌دهد. فیلم با نمایش کارنامه‌ی ایملدا مارکوس شروع می‌شود اما خیلی زود گسترش پیدا می‌کند و کل فیلیپین را نمایش می‌دهد که چه‌طور در خطر است.

اهمیت موضوع

جدا از اهمیت کاراکتر ایملدا مارکوس در سیاست فیلیپین شیوه‌ی کارگردانی گرینفیلد در این فیلم به لحاظ مستندسازی اهمیت زیادی دارد. او از روش‌های متنوعی استفاده می‌کند تا نشان بدهد سوژه‌اش جلوی دوربین منبع قابل اعتمادی نیست.

درباره فیلم

فیلمی درباره‌ی ایملدا مارکوس که کارنامه‌ی سیاسی جنجالی او را بررسی می‌کند. او بانوی سابق فیلیپین بود که روی بیشتر تصمیمات اساسی شوهرش رییس‌جمهور فیلیپین تاثیر می‌گذاشت. امروز هم ایملدا تلاش می‌کند تا پسرش در عرصه‌ی سیاست به جایی برسد.

درباره کارگردان

لارن گرینفیلد هنرمند، عکاس و مستندساز متولد ۱۹۶۶ در آمریکاست و تا امروز چهار مستند ساخته و چندین نمایشگاه عکاسی مستند هم برگزار کرده است. او فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی هاروارد است و این فیلمش در جشنواره‌های برلین و تورنتو حضور پیدا کرده.

سمفونی کارخانه اورسوس

SYMPHONY OF THE URSUS FACTORY

درباره فیلم

در یک پروژه‌ی تجربی، کارگران سابق اورسوس، توسط تیمی از موسیقیدانان و فیلمسازان دعوت می‌شوند تا یک روز کاری معمولی را بازسازی کنند اما این بار بدون ماشین‌ها. کارخانه‌ی اورسوس زمانی مهم‌ترین کارخانه‌ی ماشین‌آلات کشاورزی در دوران بلوک شرق بود.

درباره کارگردان

یاشمینا وویچیک پیش از این فقط در سال ۲۰۱۵ یک فیلم کوتاه ساخته است و این اولین مستندش و اولین فیلم مهمش محسوب می‌شود که مورد توجه منتقدان قرار گرفت و او را در فهرست نامزدهای بهترین کارگردان فیلم اولی برخی جشنواره‌ها قرار داد.

اهمیت موضوع

در زمانی که لهستان جزو بلوک شرق بود و کشوری کمونیستی این کارگران نمونه‌ی ایده‌آل حکومت کمونیستی بودند. اما بعد کارخانه تعطیل می‌شود و آن‌ها بی‌کاری می‌شوند و حالا کارگردان آن‌ها را دوباره جمع کرده تا انگار یک روز عادی دیگر در کارخانه داشته باشند.

گزیده نقد

این مستند با اسم شاعرانه‌ای که دارد کارخانه‌ی در ورشو را برای مخاطب زنده می‌کند. یک ادای دین موزیکال و شاعرانه به کسانی که زمانی در بزرگترین کارخانه‌ی لهستان کار می‌کردند. فیلم سفر قهرمانانه‌ی کارگران این کارخانه را به تصویر می‌کشد.

کارگردان: یاشمینا وویچیک
محصول: لهستان
سال نمایش: ۲۰۱۸
مدت زمان: ۵۰ دقیقه

